

حفظ و مرمت در کهندژ هرات



موسسه مشورتی و حفظ میراث های فرهنگی افغان



مقدمه:

دهه جنگ و عوامل آن آسیب های بیشماری را در آبادات تاریخی افغانستان بجا مانده است. تعدادی از آبداه ها در جریان سه دهه جنگ یا از بین رفته و یا بصورت جدی صدمه دیده است موقعیکه کمبود ظرفیت ها و امکانات به حد محدود جهت ترمیمات در بسیاری از ساحات موجود بود. گذشته ازین، مانند مریض در حال فکر کردن وانمود می نماید که انکشاف شهری خطر جدی را برای این آبداهای بی مانند و بی نظیر متوجه میسازد.

پس در این زمینه ، اسناد سازی و احیاء بناهای تاریخی در قدم اول اهمیت و مفهوم بسزایی را دارا میباشد. ابتکارات این نشریه ارائه معلومات راجع به هرات جائیکه مزارات شهزاده عبدالله و شهزاده قاسم در کهنه هرات مصدر توجه بین سال های ۲۰۱۴ - ۲۰۱۶ میلادی بوده که کار عملی آن توسط موسسه مشورتی میراث های فرهنگی افغان(اچکو) (ACHCO) به همکاری ریاست محترم حفظ و احیاء شهرهای قدیم و آبادات تاریخی وزارت محترم اطلاعات و فرهنگ جمهوری اسلامی افغانستان به انجام رسیده است.

نقشه ها و راپور مفصل تخنیکی از جریان کار پروژه به مراجع ذیربط تسلیم داده شده و این نشریه کارهای انجام شده این دو بنا تاریخی را که در مراحل مختلف کاری حفظ و ترمیم صورت گرفته توضیح و تشریح مینماید.

خلاصه نتیجه چالش ها و دستاورد های که تا حال توسط تیم کاری پروژه صورت گرفته است علت عمده آن ناشی از تصمیم گیری مشترک تیم کاری در جریان کار پروژه بوده است. و ما آرزو مندیم تا این نشریه باعث خوشی اشخاص و افراد مسلکی و علاقمندی عموم خوانندگان گرامی گردد. و این هم نتیجه تعهد و پیمان افغانهای که با انرژی، مهارت و قوه ابتکار این پروسه را پلان و کار حفظ و ترمیم آن را به انجام رسانیده اند میباشد. این نشریه نشان دهنده سهم قابل توجهی به درک ما از میراث های فرهنگی کشور ما است.

مهندس عبدالاحد عباسی

رئیس حفظ و احیاء شهرهای قدیم و آبادات تاریخی
وزارت اطلاعات فرهنگ جمهوری اسلامی افغانستان

تشکر و قدردانی:

کار مرمت این بنا که در این کتاب شرح داده شده است بین جنوری ۲۰۱۴ - مارچ ۲۰۱۶ توسط موسسه مشورتی میراث های فرهنگی افغان (ACHCO) با همکاری آمریت آبادات تاریخی هرات و وزارت اطلاعات و فرهنگ به انجام رسید.

مدیریت این پروژه به عهده انجینیر حبیب نوری با همکاری فرهاد سروش، عبدالودود پناه، انجینیر حامد آرام، انجینیر خدیجه حسینی، انجینیر بهزاد پایا، انجینیر وحید احمد وصال، انجینیر حمیدالله افغان و دیگر کارمندان بود. نظارت کارگران در ساحه توسط سرکارگر خلیفه عزیزالله صورت میگرفت.

حمایت مالی این پروژه از صندوق سفیران برای حفظ آثار فرهنگی و وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا انجام شده است.



پیشینه تاریخی کهندژ:

منطقه هرات تاریخ پر فراز و نشیب دارد. هرات از سوی اسکندر بزرگ تسخیر شد و عرصه نبرد میان پارتی ها و یونانی ها قرار گرفت. از آن جا که هرات در مرز میان پارس و آسیای میانه واقع شده است، اهمیتی استراتژیک برای دودمان های مغولی، تیموری، و صفوی داشت. این شهر در فاصله میان روزگاران آسوده، دوره هایی از ویرانی و انقراض را پشت سر گذرانده است. مورخان پارسی و عرب در سده دهم میلادی از مرکز بالنده باز رگانی یاد میکنند. یک سده بعدتر از آن، فرمان روایان غزنوی استانداران هرات را میگماردند؛ پس از آن در سده دوازدهم میلادی این شهر پایتخت سلطنت غوریان شد. دیوارهای دفاعی شهر، دژ، و مسجد جامع هرات در همین وقت ساخته شدند. پس از خراب کاری مغولها در ۱۲۲۱ میلادی، شهر در دوره کرت ها جان تازه گرفت. هرات در دوره فرمانروایی شاهرخ پسر تیمور به مرکز عمده سیاسی و فرهنگی منطقه مبدل شد و این موقعیتش را تا تقریباً یک سده دیگر و پیش از آن که باز رو به انقراض نهاد، نگاه داشت. در زمان فرمان روایی مغولها کمی بیشتر از یک پاسگاه دورافتاده نظامی بود که در اواخر سده نوزدهم اهمیت استراتژیک اش را در رقابت برای به دست آوردن خاک (قلمرو) و نفوذ میان امپراتوری های بریتانیا و روسیه باز یافت.

تا پیش از ۱۸۵۷ میلادی، هرات هنوز به عنوان بخشی از خاک افغانستان شناخته نشده بود. زمین های حاصل خیز کشاورزی و موقعیت شهر روی گذرگاهی مهم بازرگانی به آسایش آن طی سده بیستم میلادی کمک میکرد. در سالهای ۱۹۵۰ میلادی مرکز اداری نو در شمال غربی "شهر کهنه"، که بازارهای سنتی آن رفته-رفته اهمیت شان را میباختند، ساخته شد. قیامی مردمی در ۱۹۷۸ میلادی در هرات کشمکشی را به راه انداخت که به زودی سراسر کشور را فراگرفت و به بیجاشدگی جمعیت و ویرانگی گسترده انجامید. پس از بازگشت آوارگان در ۲۰۰۲ میلادی شهر رشد اش را از سر گرفت. این موضوع سبب افزایش فشار بالای زمینها و جایداد های شهری شد که بافت تاریخی بر جا مانده در شهر کهنه هرات و هم ساختمان های تاریخی در حومه شهر مانند کهندژ را تهدید میکند.

چنین پنداشته میشود که ناحیه کهندژ جزو سکونت گاه شهری باستانی هریوا باشد که در سنگ نوشته های هخامنشی و متن های پیشتر هندی از هزاره دوم پیش از میلاد یاد شده است. ساختمانهای تاریخی که در کانون این بررسی جا دارند در گورستانی در پیرامون شمالی این سکونت گاه واقع شده اند، جایی که دیوار های شهری ساخته از خشت خام تا امروز باقی است و اشیایی از سده های یازده تا سیزدهم از خاک در آورده شده است. این گورستان در شرق خیابان واقع شده است، جاده ای که در سده پانزدهم میلادی هنگامی که تیموریها یک رشته ساختمانهای دینی بزرگ را در شمال میساختند، کشیده شده است. کنار جنوبی سکونت گاه تپه ای ساخته انسان است که روی آن ارگ قلعه اختیارالدین استوار است و در آن جا موادی که پیشینه شان تا سده هشتم پیش از میلاد میرسد از خاک در آورده اند.



FROM ROYAL ENGINEERS PLAN OF HERAT
1840

The Ark or Citadel is a Brick Building with very high walls situated on a high mound. The ditch is from 40 to 50 feet wide near the town, but not deep. Towards the Ark-i-Now it appears from the walls shallow and by no means formidable. It is now the Kings residence. The Ark-i-Now is a comparatively modern work unlike the rest of the Encircling wall has no mound, and the walls apparently do not exceed 12 feet in thickness. The ditch is about 30 feet wide & 20 deep having a strong section as compared with other parts of the Works adjacent.

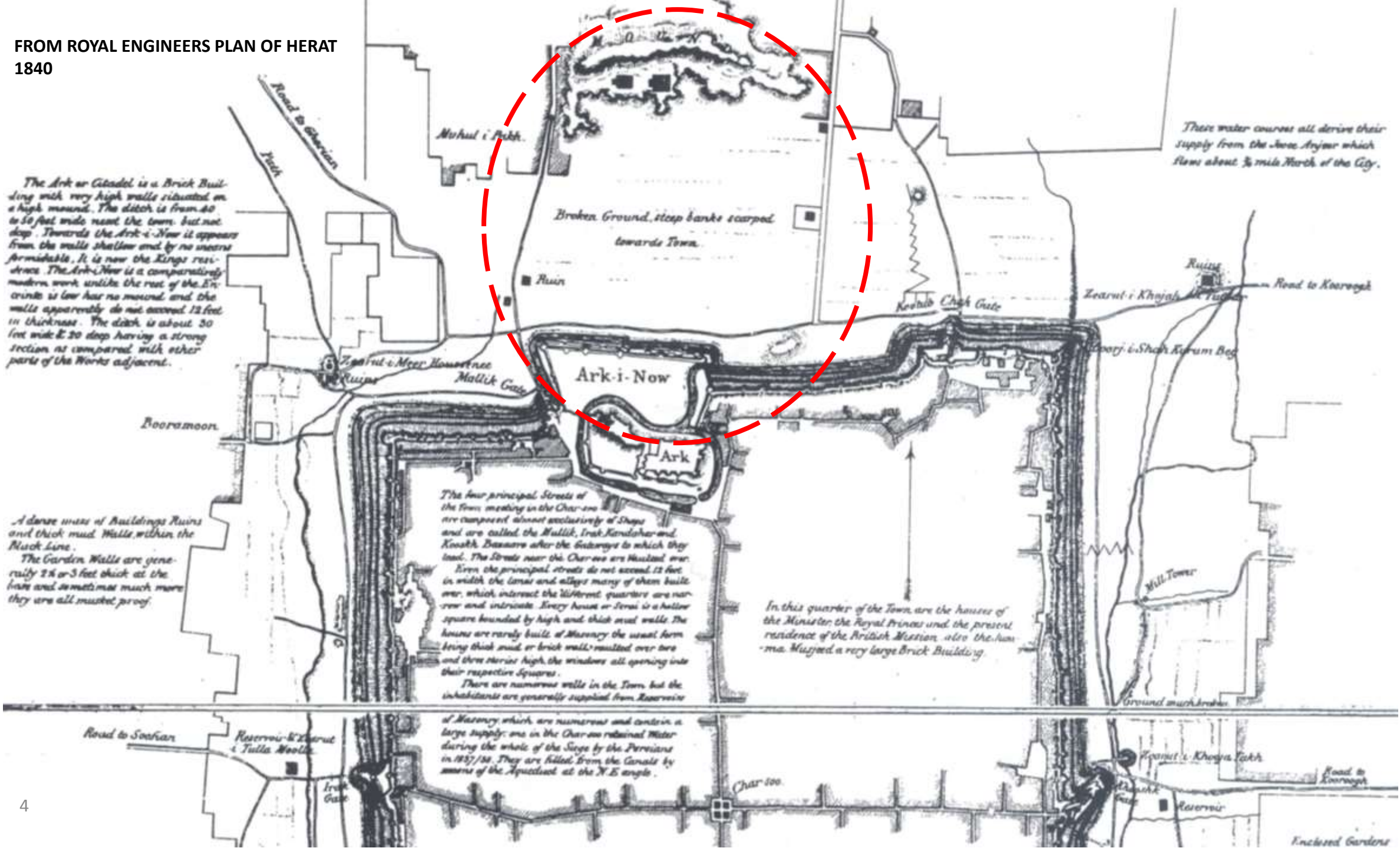
A dense mass of Buildings Ruins and thick mud Walls within the Black Line.
The Garden Walls are generally 1 1/2 or 3 feet thick at the base and sometimes much more they are all musket proof.

The four principal Streets of the town meeting in the Char-oo are composed almost exclusively of Shops and are called the Mullik, Irak, Kendaheer and Kooth Bazaar after the Sultans to which they lead. The Streets near the Char-oo are Musket proof. Even the principal streets do not exceed 12 feet in width the lanes and alleys many of them built over, which intersect the different quarters are narrow and intricate. Every house or Terai is a hollow square bounded by high and thick oval walls the houses are rarely built of Masonry the usual form being thick mud or brick walls, vaulted over two and three stories high the windows all opening into their respective Squares.
There are numerous wells in the Town but the inhabitants are generally supplied from Reservoirs

of Masonry, which are numerous and contain a large supply: one in the Char-oo retained Water during the whole of the Siege by the Persians in 1837/38. They are filled from the Canals by means of the Aqueduct at the N.E. angle.

In this quarter of the Town are the houses of the Minister, the Royal Princes and the present residence of the British Mission, also the Imam-za Musjed a very large Brick Building.

These water courses all derive their supply from the Aree Arjoo which flows about 1/2 mile North of the City.



تاریخچه:

مقبره عمده کهن‌تر آرامگاه کواسه جعفر طیار، عبدالله بن معاویه را نشان می‌دهد، که شورش اش در برابر دودمان اموی در عراق او را واداشت تا به سوی شرق، به ایران فرار کند. با گذشت زمان او اختیار خاک‌های مهمی را در ایران به دست آورد. عبدالله بن معاویه در ۷۴۶ میلادی (۱۲۹ هجری) در جریان سفری به هرات کشته شد و در کهن‌تر دفن شد. اشاراتی قدیمی‌تر به ساختمانی در روی مقبره وجود دارد اما، بر بنیاد سنگ نوشته‌ای که در جریان کاوش‌های پسین نمایان شده است، قدامت مقبره کنونی به سال ۱۴۶۱ میلادی (۸۶۵ هجری) بر میگردد و به وسیله شیخ بایزید، پسر علی مشرف، اهدا شده است.



چنان‌که این مقبره یادبودی برای معاویه بوده است، زیارتگاهی برای آنانی که در جستجوی انزوا و راهنمایی، و جایی برای تامل و آموزش بوده اند، نیز گشته است. از شمار گورهای صحن و پیرامون مقبره برمیآید که مردمان هرات به خاک سپاری در نزدیکی مقبره عبدالله بن معاویه را از دیر باز امری با ارزش می‌پنداشته‌اند.

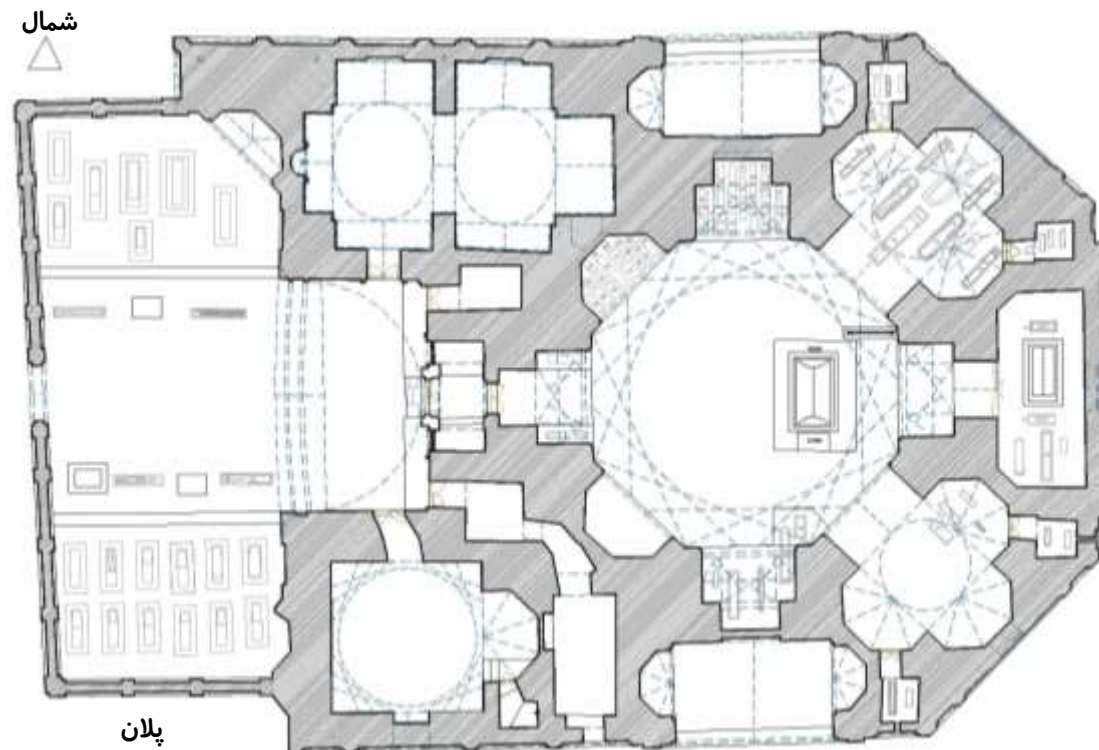
شکل (فورم) معماری:

در مقایسه با وسعت و شکوه ساختمان‌های تاریخی دیگری که در عصر دودمان تیموری در هرات ساخته شده‌اند، شکل مقبره شاهزاده عبدالله ساده و بی‌پیرایه است. ساختمان این مقبره به دور یک گنبد مرکزی (با وسعت ۱۲.۵ متر) که، برخلاف ساختمان‌های تاریخی دیگر این دوره، بلند نیست و با تنها قشر بنایی آن، به روشنی به عنوان یک عنصر فرعی در شکل (فورم) بیرونی طراحی شده، تشکیل یافته است - هر چند درون این گنبد قابل توجه و چشمگیر است. این مقبره دهانه‌های تمام قد یا ایوان‌هایی در ارتفاع‌های بیرونی روی چهار محور دارد. به سمت غربی، بزرگترین ایوان دروازه ورودی را میسازد که در دو پهلو آن تاقچه‌هایی در دیوارهای بلند که با زوایایی نسبت به این ارتفاع قرار گرفته‌اند، وجود دارد (قسمت جنوبی این دیوار فرو ریخته است). در پشت بخش شمالی این دیوار مسجدی وجود دارد، حالانکه فضای کوچکی برای خانقاه به سمت جنوب در نظر گرفته شده است. در دو پهلو ایوان شرقی، که حالا با دیواری بسته شده است، تاق نماهای داخلی گنبد دار بر روی قطر، با تاقچه‌های عمیق در سه طرف قرار دارند که از هر کدام آن‌ها فضاهای کوچک نصب شده در ساختاری خشتی، کشیده شده است. ایوان‌های سطحی‌تر روی محورهای شمالی و جنوبی حالا دارای سقفی کمانی هستند.

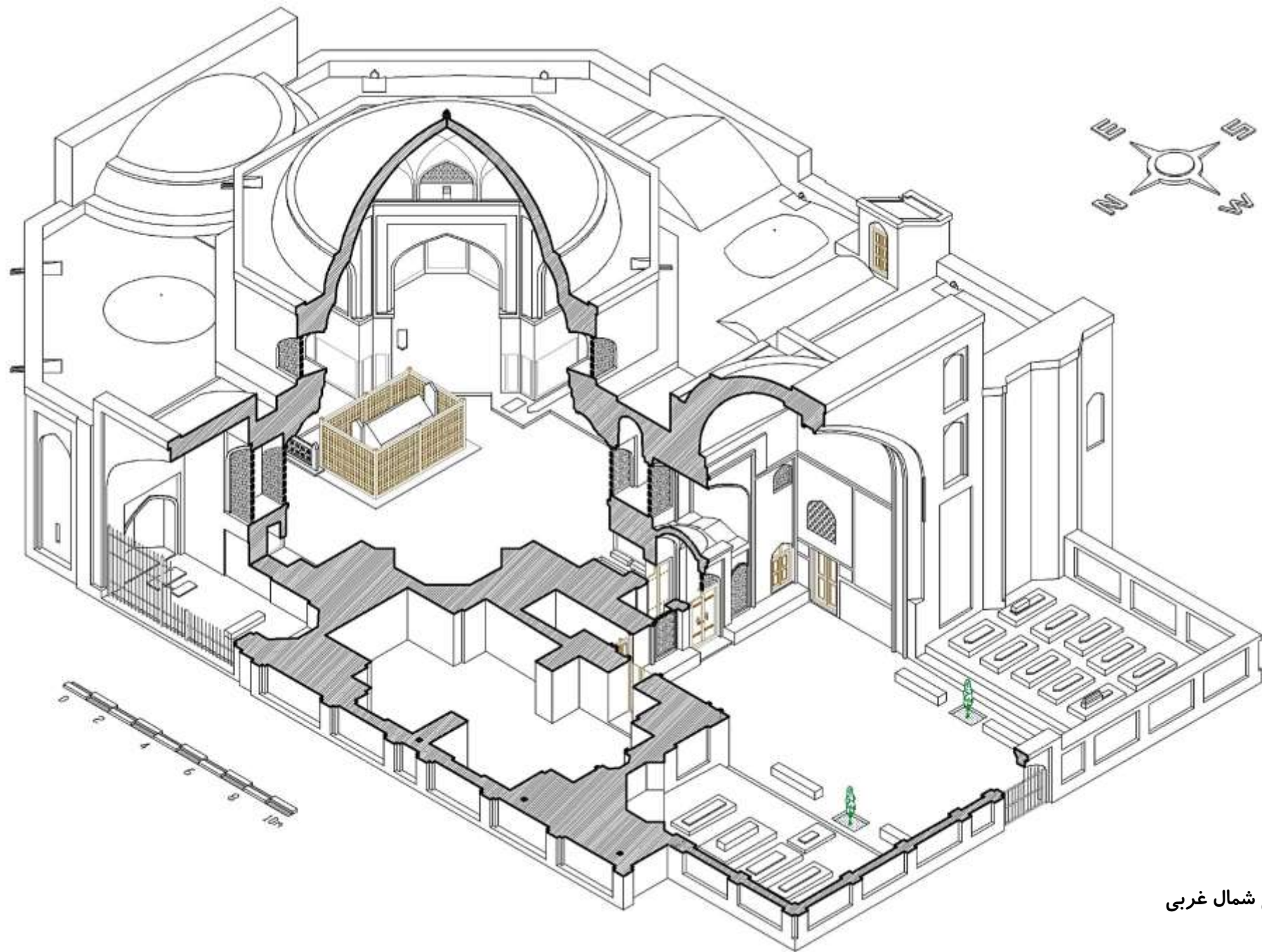
آن‌چه که ممکن است مقبره شهزاده عبدالله از رهگذر مهارت معماری کم داشته باشد، با تزئین‌های سفالین موزاییک، که تا امروز بر جا مانده است، تلافی می‌گردد. تزئین بیرونی در دیواره جنوبی ایوان غربی انگیزه‌های سنتی اسلامی و چینی را با عناصر جلاخورده در تقابل با خشت پخته، به شیوه ویژه کار صنعت گران عصر تیموری، در هم می‌آمیزد. این به روشنی به شکوه و یادوارگی ارتفاع عمده مقبره می‌افزاید.

خمیر شیشه ای جلادار (ترکیبی از کوارتز سوده و سودای آهکی، که تا تبدیل شدن به شیشه شفاف حرارت داده میشود) و گل رس است. پوشش های جلا دهنده، القلی استند که سودا (یا پتاس) را برای پایان آوردن نقطه ذوبان با مواد رنگه ی علاوه-شده مانند قلعی یا مس (که برای فیروزه ای تیره استفاده میشود) به کار میبرد.

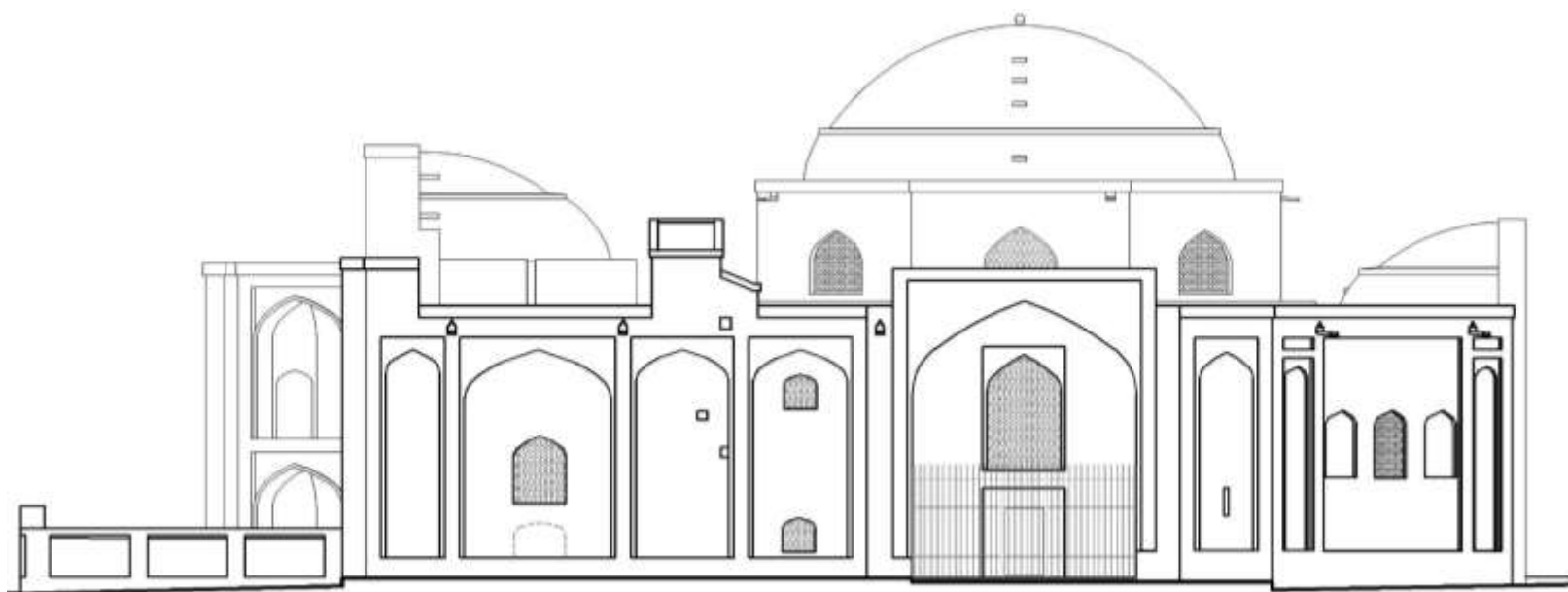
شرحی از ساختار و تزئین مقبره، همراه با شواهد دگرگونی های فیزیکی که در جریان کار حفاظت و نگهداشت از ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ میلادی آشکارا شد، در بخش های بعدی آورده شده است.



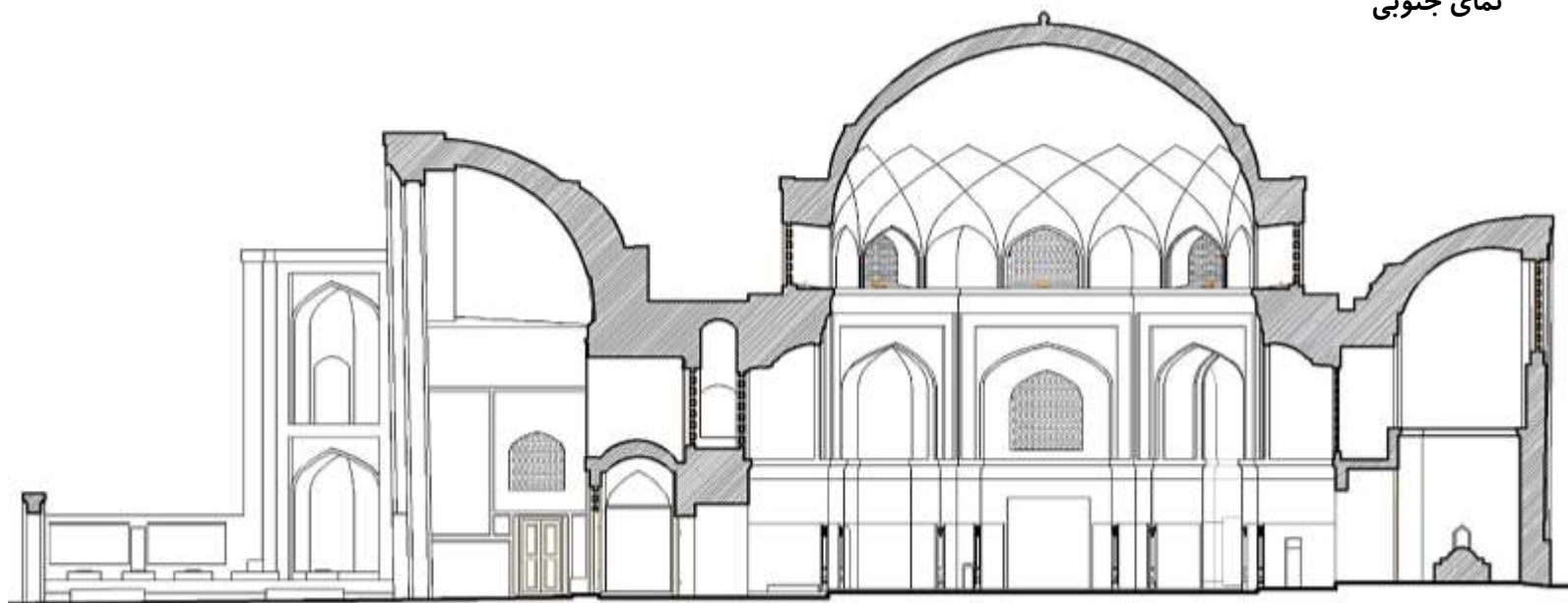
در درون مقبره، طرح محدودتری از سفال موزاییک پیزاره ای تزئینی پیرامون فضای اصلی میسازد (برای تحلیل طرح ها بخش بعدی را نگاه بکنید). تکنیکی که در هر دو مورد به کار گرفته شده است این است که کاشی های جلا دار به اشکال به هم پیوسته برش شده اند تا طرحی از رنگهای متضاد بسازند. پاره های کاشی شکل دار، رو به پایین به روی طرحی اولیه، کنار به کنار، گذاشته میشوند. سپس بر پشت و میان فاصله های نامنظمی که بین پاره های کاشی وجود دارد گچ ریختانده میشود. وقتی که خشکید، قطعات را برداشته و در موقعیت شان جا به جا میکنند. اینجا، مانند دیگر ساختمان های تاریخی عصر تیموری، بدنه کاشی هایی که در مقبره به کار رفته اند، آمیخته ای از مصالحه سنگی (آمیخته ای از سنگ چینی (کوارتز) خرد شده که از ریگ و سنگ ریزه های خردشده حاصل میشود)،



نمای ایزومتریک با مقطع شمال غربی



نمای جنوبی

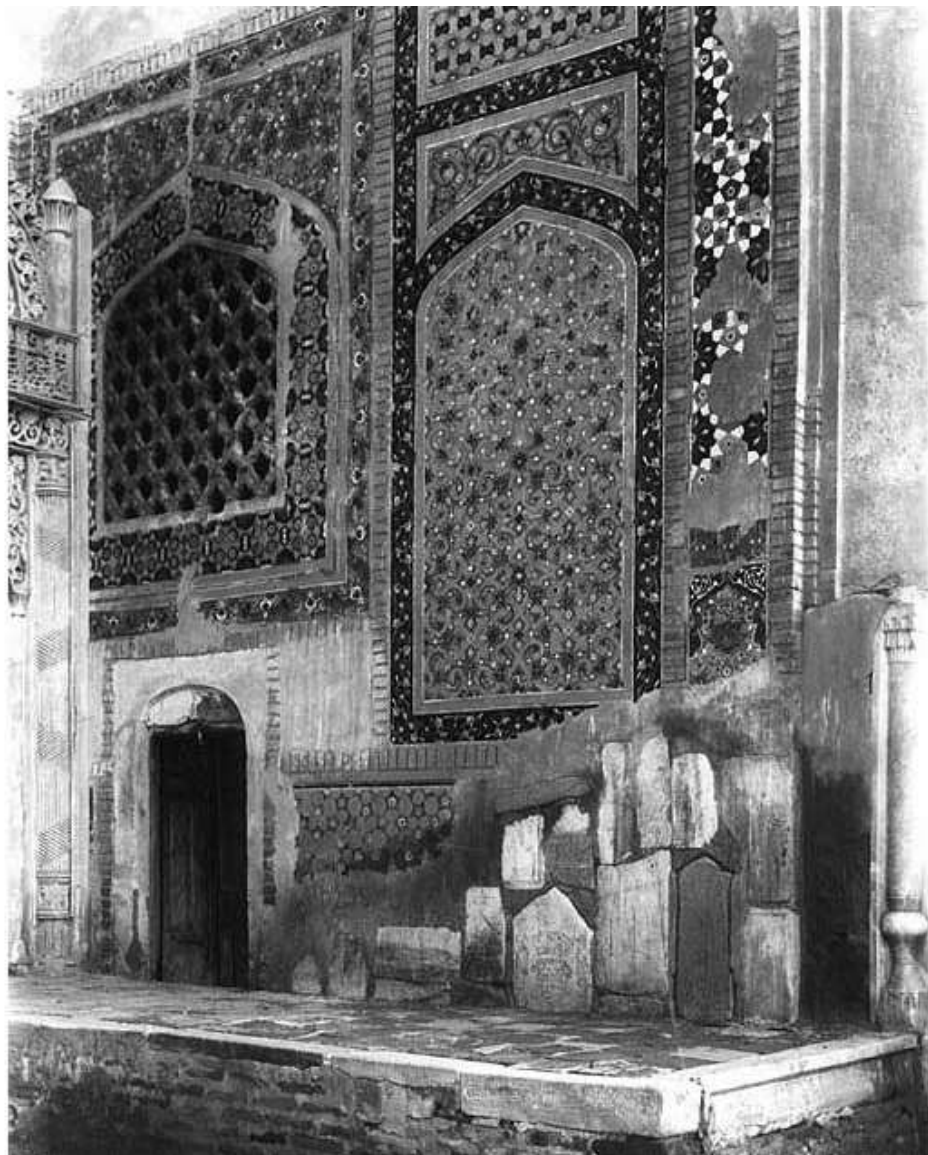


مقطع طولی شرق و غرب

دگرگونی های فیزیکی:

عکس های تاریخی ثابت کرده اند که منبعی سودمندی در تعیین ماهیت و وسعت مرمت ها و دگرگونی هایی که بر مقبره شهزاده عبدالله از سالهای ۱۹۳۰ میلادی به این سو انجام شده، موجودیت عکس هایی که به وسیله رهنورد بریتانیایی، رابرت بایرن در ۱۹۳۳ یا ۱۹۳۴ میلادی گرفته شده اند دیوار بلندتری را (که در اصل با کاشی ها تزئین شده بوده است) بالای ایوان غربی نشان میدهد که ارتفاع آن از امروز بیشتر است .

یکی دیگر از عکس های بایرن وسعت کاشی کاری جلادار را روی دیواره جنوبی ایوان غربی نشان میدهد، جایی که سنگ قبرها به قسمت پائینتر دیوار چسبانده شده است.



هنگامی که لیزا گولومبک از این مقبره در ۱۹۶۰ میلادی دیدن کرد، یک بخش عمده این کاشی کاری (به شمول یک نوار عمودی تزئینات کاشی هندسی در سقف قوس اصلی) از میان رفته بود. در عکس هایی که به وسیله برنارد اوکین در ۱۹۷۵ و مهرداد شکوهی در ۱۹۸۳ گرفته شده اند، قطعاتی از کاشی کاری بر دیواره شمالی نیز دیده میشوند، اما (به جز پارچه ای کوچک) این قطعات در جریان جنگ هایی که در این منطقه در سالهای آخر ۱۹۸۰ اتفاق افتادند، زدوده شده اند.

به ویژه در مدخل ایوان، جایی که کاشی کاری های بیشتری آسیب دیده اند، سودمند استند. مثلاً، ستون های پلاستر گچی که در سالهای ۱۹۴۰ علاوه شده اند، در جوانب مدخل قابل دید استند و این را میرساند که این ها در جریان مرمت های بعدتر برداشته شده اند. هر چند شواهد عکاسی نشانه های مشخصی در مورد وضعیت مقبره از ۱۹۳۰ میلادی به این سو به دست میدهند، فرایند ترمیم و حفاظت، آثار بیشتری از دگرگونی ها را آشکار ساخت که در بخش زیرین به گونه اجمالی به آنها پرداخته میشود.



به نظر میرسد که نیم-گنبد بالای مدخل مقبره نیز دچار دگرگونی های مهمی شده است. عکسی با منبعی نا شناخته از نشریه ای افغانی در ۱۹۳۶ میلادی کاشی ها یا تزئینات رنگه ای را نشان میدهد که در عکس های بایرن نیز به چشم میخورند.



در حالی که نشانه ای از چنان تزئینی در عکس گولومبک از ۱۹۶۰ میلادی دیده نمیشود. این زمانی است که شواهد مرمت های مهمی در امتداد ارتفاع شمالی دیده میشود، جایی که بر اساس شواهد دیوار نشست کرده است.

عکس هایی که به وسیله برنارد دوپین در ۱۹۹۳ میلادی گرفته شده اند، در تعیین ماهیت و وسعت آسیب اخیر،

ایوان غربی:

سروی و بررسی در ایوان سمت غرب نمایانگر درز های ساختمانی متحدالمرکز که در خشت کاری کمان که وسیله اتصال بین دو ربع گنبد بین ساختمان مرکزی و کمان ایوان از سمت داخل به سمت کمان واقع شده و نبود اتصال مناسب ساختمانی یکجا با نشست تهداب های تحتانی سمت شمال باعث برهم خوردن و تغییر شکل کمان مرکزی که سبب توسعه درز ها در دیوار همجوار آن نیز گردیده بود .

پس از ثبت و مستند سازی و دور نمودن لایه های کاهگل (آمیخته ای از خاک و گاه) از سطح بالایی نیم-گنبد ایوان ، ساختار شکننده ای آشکار گردید که از نیم خشت ها با مصالحه خاک - گچ ساخته شده بودند و از روی مرمت کاری هایی که در سالهای ۱۹۹۰ انجام شده بودند، مشاهده می شد.

نمای غربی مقبره شهزاده عبدالله در جهت خیابان واقع است، که گذرگاهی درب ملک شهر کهنه رابه مصلی که مجموعه از نهاد های مذهبی در سده پانزدهم میلادی بوسیله اعضای دربار سلطنت تیموریان اعمار گردیده بود می انجامد. هر چند امروز در سایه آبادی های عصری تا حد زیادی از نظر پنهان مانده است، مقیاس و تزئین روی ارتفاع ورودی مقبره، با ایوان مرکزی روی دیواره بلند که در اصل با کاشی کاری جلا دار تزئین شده بود، به روشنی به نیت تاثیر گذاری در نظر گرفته شده است. در دو سوی این ایوان یک جفت تاقچه خالی و بر روی هم با زاویه ای نسبت به ساختمان اصلی قرار گرفته است، که تنها بخش شمالی آن بر جای مانده است.



سپس کار برداشتن دیوارهای خشتی بعدی پیرامون سه طرف ایوان آغاز شد که گادر آهن کانکریتی بزرگی را که در سال های ۱۹۹۰ گذاشته شده بود، آشکارا کرد. کانکریت با کار دست شکستاده شد و پاره های آن برداشته شد. در حالی که بنای مجاور آن، که کیفیت خیلی پایانی داشت، با استفاده دوباره از خشت های اصلی که روی مصالحه آهکی گذاشته شده بودند، تعویض شد. برای اطمینان و موثریت کاری بهتر در نقاط وصل بین خشت کاری قبلی و خشت کاری نو تخته سنگهای کلان و چوب بنوش (بشکل زینه مانند) بشکل افقی در طبقات مختلف از خشت کاری جابجا گردید. با تثبیت زیرساخت ایوان غربی، تحلیل هندسی آن مشخص ساخت که بنای خشتی نیم-گنبد با دوره های افقی به عوض خشت کاری کمانی (تکیه های انتقالی زیر گنبد) که در گذشته استفاده شده بود، بازسازی شود.



پیش از برهنه ساختن این بخش ساختمان، از سطح زمین تا سقف کمان اصلی چوب بندی شد، که در زیر آن تکیه هایی روی تخته های چوبی افقی برای استحکام در جریان کار گذاشته شد. بخش های بالایی دیوار های جانبی به گونه موقتی با قسمت هایی از بنای خشتی که در زیر قسمت های بیرونی قوس ساخته شده بودند تحکیم شد. با اخذ این تدابیر، خشت کاری متحد المركز نیم-گنبد دوره-به-دوره برداشته شد. سپس کمان مرکزی و در اخیر نوار خشت کاری درون قوس اصلی ایوان دور ساخته شدند.





پس از اتمام بنای ساختاری، از کانکریت آهکی در سطح بالاتر پیش از خشت فرش سطح بام استفاده شد. بر اساس تناسب هایی که از عکس های تاریخی حاصل شد، دیوارهای جانبی، با استفاده از تکنیک ساختمانهای میانه خالی (روباه خانه) به منظور کاهش وزن اعمار گردید.



در جریان کار روی ایوان غربی، خالیگاهی بین بنای ساختاری و سقف کمانی بالای دروازه ورودی مقبره آشکار شد، که سطح پایانی آن تزئین کاشی های جلادار ستاره ای در میان عناصر شش ضلعی سفالی را - که در عصر تیموریان متداول بوده - نگاه داشته است. با مرمتی که قبلاً با آمیخته ای از سنگ گچ و خاک رس انجام شده است، این سقف کمانی، پیش از آن که خالیگاه دوباره بسته شده باشد، با قوس خشتی ممدی تحکیم شده است. این همچنان فرصتی فراهم کرد تا تناسب های اصلی چوکات خشتی برجسته روی این دیوار، بر اساس شواهدی از عکس های تاریخی، به حالت اولی برگردانده شود.

با در نظر داشت این که این الحاق در حال حاضر به عنوان دالان، هدف سودمندی را بر آورده میکند و تزئینات رنگی اوایل سده بیستم میلادی را در سقف گنبد هایش نگاه داشته است، برداشتن آن نامناسب پنداشته شد. در عوض، ارتفاع مدخل الحاقیه جدید با مصالحه آهکی دوباره مصالحه گذاری شد، و صفحه های گچی با خشت کاری شبکه ای و مجوف با سطوح داخلی جلادار تعویض شد چنان که در جا های دیگر ساختمان جا به جا شده است. پس از ثبت و مستند سازی، پارچه های مرمری - که به نظر میرسد تعداد شان متعلق به لوح قبرها بوده اند، دوباره در فرش فضای مدخل گذاشته شدند.



در سطح پایینتری در این ساحه، برداشتن سمنت جدید از بام دالان گنبد دار، که در اوایل سده بیستم میلادی به درون سقف کمانی اصلی دوره تیموری جا به جا شده بود، آشکار ساخت که این ضمیمه بسیار شکنند بود. گنبد های گچی آن با ریزه های خشت پر شده بود، که پیش از ریختن کانکریت آهکی و خشت فرش برداشته شدند.



در درون این فضا برداشتن لایه (پلاتفورم) سمنتی جدید که دارای پارچه هایی از لوح قبرها بود، آشکارا ساخت که کاشی کاری تزئینی اصلی تا حاشیه گذاری مرمری در قاعده دیوار امتداد داشته است. این تأیید میکند که ایوان مذکور در اصل فضایی بیرونی بوده است، و این پرسش را به میان میآورد که آیا این الحاق باید برداشته شود؟

مسجد:

داوری از روی عکس های تاریخی و شواهدی که در محل پیدا شده میسراند که بخش شمال غربی مقبره مورد مرمت های وسیع و برخی از بازسازی ها قرار گرفته است. این خود وانمود میکند که عمدتاً به درجه اول و در نتیجه نشست تهدابهای دیوار سمت شمال اثر شکست را در جا های دیگر ساختمان نیز به بار آورده است. کشف مقداری از مهمات استفاده شده در خاک و گلی که از بام برداشته شد -در مواردی در دو متری زیر خاک و گل- گزارش هایی را تقویت می کند که این بخش از بام، به وسیله نظامیان در جنگ و کشمکش های سال های ۱۹۸۰ میلادی استفاده شده است، که به آسیب بیشتری در اثر اهتزازهای ناشی از شلیک سلاح ها از این موقعیت انجامیده است.

بر اساس شواهدی که از عکس های تاریخی به دست آمده اند، سطح داخلی یا سقف نیم-گنبد بازسازی شده ایوان غربی، همراه با دیوارهای همجوار، بین چوکات بندی خشتی که ترمیم شده بود، پلاسترکاری شد. با پیوند زدن آن با دیواره جنوبی، ساحه ای از کاشی کاری تزئینی ظریف که قبلاً با بی مهارتی ترمیم شده بود، به بنای استنادی -که از آن جدا شده بود- دوباره پیوند زده شد و پوشش سمتهی جدید آن برداشته شد. صفحه ظریف شبکه ای کاشی که بخشی از کل مجموعه را میساختند تثبیت شد و خشتهایی با برش ویژه در جا هایی که اجزای آن مفقود شده بود، جا به جا شدند. بالاخره، سطح جلادار کاشی ها به دقت پاک کاری و در جاهای مورد نیاز برجسته ساخته شدند.



نمایان شدن خالیگاهی عمیق در امتداد رخ درونی دیواری که به گونه ضعیف باز ساخته شده و در جنب ایوان غربی قرار داشت، مایه نگرانی شده بود و ایجاب میکرد تا در جریان روند تخریب از نزدیک نظارت شود. پس از آن که تهداب های سنگی موجود با مصالحه مرمت شدند، پیزاره ای با پهنای یک متر از سنگ جدید در داخل دیوار های مسجد، پیش از آن که روبنای خشتی بلند شود، ساخته شد. سپس با استفاده از چوکات سنتی که از گل قالب شده بر روی ساختاری از خشت های خشک، که روی چوب بندی استناد داشتند، قرار گرفته بود، یک جوهره قوسهای ساختاری در جنوب مسجد دوباره ساخته شد. پس از ترمیم کاری هایی در پیزاره های زیر دیوار شمالی، این یکی نیز دوباره ساخته شد که بلند کردن دوباره قوس های داخلی، و در نتیجه، دو گنبد را میسر ساخت.

برداشتن پلاستر درونی مسجد شواهد تغییرات در پیکربندی آن را آشکار کرد که احتمالاً در ضعف ساختاری این بنا نقش داشته است. دهانه های بسته شده در دو طبقه در تاق نمای شرقی مسجد میرسانند که اینجا زمانی یک طبقه میانه نیز وجود داشته یک دهلیز باریک که به سمت تاقچه شمال غربی مقبره می رود در همین سطح زمین مسجد پیدا شد که حالا به وسیله دو سنگ قبر جایجا شده در کاشی کاری جلادار مسدود شده است.



بخش هایی از کمان خشتی شکسته که با گل و خاک از زیر پلاستر بیرون شده است اندازه پوشش بام را نشان میدهد که این ساختار ممکن است در گذشته فرو ریخته بوده باشد. اینجا تکنیک های ساختمانی - مانند کمان هایی که در دو نهایت از نیم-خشت ها ساخته شده اند، که بعید است اصلی باشند - پیدا شدند که نشان از بازسازیهای اخیر مسجد میباشد. حالت متزلزل این بخش از مقبره سبب شد تا تصمیم به دوباره سازی کامل آن گرفته شود. پس از برهنه ساختن گنبد ها و قوسهای استنادی مسجد، دیوار شمالی بیرونی تخریب شد.



در جریان پرکاری مجدد، چوب های مقاوم بینوش در بنای خشتی جدید جا سازی شدند. در بازسازی موزی ساختمان مسجد، ساختار دو طبقه ای در نهایت غربی آن از میان برداشته و باز ساخته شد. برای اطمینان از ثبات بنای جوانب کمان اصلی ایوان غربی در جریان بازسازی، پیوند ساختاری موثر میان بنای موجود و بخش های بازسازی شده، یک خوازه (بست) موقتی در قسمت منشای آن نصب شد. مانند جا های دیگر،

برای تامین پیوندی ساختاری موثر میان بنای بازسازی شده و بنای موجود، تخته (پلیت های) سنگی هموار به فواصل منظم [میان آنها] جا سازی شدند. با اتمام بازسازی بخش شمال غربی مقبره، کانکریت آهکی در سرتاسر بام ها فرش شد که متعاقباً با خشت فرش پخته روی مصالحه آهکی تکمیل شد. سپس درون مسجد دوباره پلاستر و روی فرش آن با خشت پوشانده شد.



گنبد مرکزی: (سطح بیرونی)

پس از سخت شدن کانکریت آهکی، خشت های پخته به گونه متحمد المرکز روی سطح گنبد جا به جا شدند که شامل دو حلقه خشت کاری کناره های آن نیز میشد. سپس درزها و کناره های خشت فرش با مصالحه ای هنگاف که از آهک، سرمه ریگ، سمنت سفید و پودرخشت ساخته شده بود، پرکاری و هنگاف گردید. بنای دورادور دیوار هشت ضلعی زیر گنبد، که به نظر میرسید در مرحله ای با بی مهارتی باز سازی شده بود، با استفاده از خشت های اصلی مرمت شد. در تحت این، حلقه ای از چوب های بنوش بشکل پیوسته (کلافه) در 'دامنه' بنای خشتی دورادور دیوار زیر گنبد جا داده شد. نمای جالی های گچی روشنانه های اطراف چارضلعی که هم از شکل هندسی و هم از نگاه مرمت وضعیت نابه سامانی را داشتند، با شبکه ای از خشت های قطع شده که در نقش هشت ضلعی قرار داده شده بودند و در بیرون جلادار بودند، تعویض شدند. این کار به طور قابل ملاحظه ای میزان روشنایی در درون مقبره را افزایش داد.

مرحله اول کار روی گنبد مرکزی شامل برداشتن کاهگل (آمیخته ای از خاک و کاه) میباشد تا خشت کاری را نمایان سازد، که بعداً خطوط اتصال آن پاک کاری و بخش های آسیب دیده اش با استفاده از پارچه های خشت با مصالحه آهکی مرمت شد. قوس های فرعی روی هم افتاده در اطراف دیواره استوانه ای زیر گنبد نیز، پیش از آن که سطوح آن با مخلوطی از آهک و آب پوشانده و خشک شود، مرمت شد. اندازه های ساختار خشتی نمایان شده درجه ای از عدم تناظر را نشان میداد، که با بلند کردن بخش هایی از سطح مورد نظر با پاره های خشت، که در مصالحه آهکی جا داده شدند و بعداً با مصالحه آهک و ریگ روی آن هموار و آبریزه آن تنظیم میشود. به دنبال این، قشری از کانکریت آهکی (متشکل از آهک، ریگ صاف، پودر خشت و خاکه ذغال، و گل لخ آمیخته با آب) روی آن یک لایه نازک کشیده شده و با چکش رابری طی دو روز کوبیده شده تا مواد آن کاملاً سفت شود.



ایوان های بیرونی:

در جریان این کار، پارچه هایی از تزئین سفالین موزاییک (شامل عناصر گل دار پیرامون نقش و نشانی برجسته در مرکز) در فواصل میان قوس های تاقچه دیوار غربی محافظت شده، و متعاقباً پاک کاری و تثبیت شدند. کار تزئینی مشابهی در فواصل میان قوس های تاقچه دیوار شرقی ایوان از میان رفته است. برداشتن پلاستر آسیب دیده رخ درونی دیوار در قاعده ایوان، رشته ای از تاقچه های کوچک را که برای گذاشتن شمع ها و یا چراغ های تیلی استفاده می شده اند، نمایان ساخت. اینها نگه داشته شدند اما لایه ای اضافی از خشت کاری در رخ درونی برای تامین ثبات و ایمنی آنها افزوده شد. روندی مشابه در ایوان جنوبی دنبال شد، جایی که سقف های کمانی با استفاده از خشت های روی کار و گچ باز سازی شده، آن را در وضعیت بی ثباتی قرار داده بود. به همین دلیل آن ساختمان تخریب و بر اساس هندسه ای که با ایوان شمالی همخوانی داشت دوباره ساخته شد. صفحه ای تا حد زیادی سالم از تزئین سفالین موزاییک، در فاصله میان قوس های بالای دهانه ای در دیوار جنوبی بر جا مانده است. این صفحه طرح گل دار بر زمینه ای آبی تیره دارد که با نواری فیروزه ای حاشیه بندی شده است. این صفحه پاک کاری و یکجا با کار تزئینی بالای تاقچه های پائینی (که از تاقچه های ایوان شمالی متفاوت اند) تثبیت شد.

خاکبرداری های پشت بام مقبره، بررسی وضعیت ساختار زیرین گنبد ها و پوشش های کمانی را میسر ساخت. در ایوان شمالی یک گنبد خشتی کوچک بالای کمان اصلی پیدا شد که با بی مهارتی بعد از فروریزی قسمت از ایوان (در عکس گولومیک از ۱۹۶۰ میلادی قابل دید است) ساخته شده بود. روشن نشد که این گنبد کوچک، که احتمالاً تدبیری موقتی بوده است، چه هدف ساختاری را بر آورده می کرده است. با توجه به شکل غیر منظم هندسی ایوان، تصمیم بر از میان برداشتن آن تا سطح منشای قوس (جایی که بنای اصلی خشت قدیم هنوز پا بر جای مانده بود) و بازسازی آن با استفاده از خشت های برابر با اندازه اصلی (23 x 23 x 5cm) نشانده شده در مصالحه آهکی گرفته شد. مانند جا های دیگر، چوکات سنتی گل رس شکل داده شده، روی ساختاری از خشت های خشک تهیه و با چوب بندی تقویت شد.



هنگامی که دیوار شرقی برداشته شد، بخش هایی از تزئین خشتی و کاشی در دیواره این ایوان نمایان شدند؛ اینها در بر گیرنده کاشی های مربعی کوچک فیروزه ای (با دو شاخه های دایره ای در مرکز های شان) میشود که در نقشی مایل میان خشت های پخته و نوار جلادار آبی در نقاط اتصال نشانده شده بودند.



کار های تزئینی بیشتری در زیر لایه ای از پلاستر جدید در گرداگرد دهانه بالایی میان ایوان شرقی و درون مقبره پیدا شدند. این فورم نواری را به خود میگیرد که از شکل های شش ضلعی ساخته شده اند. این شکل ها به وسیله خطوط موازی نوار های کاشی به رنگ آبی تیره همراه با یک رشته کاشی های ستاره ای شکل در کناره های آن ساخته شده اند، که بر زمینه ای از خشت های پخته قرار گرفته اند.

سطح بالایی نیم-گنبد بالای ایوان شرقی در وضعی خوب قرار داشت و کار بر روی آن با شیوه ای مشابه آن چه که در بالا توضیح داده شد، انجام یافت. با توجه به وضعیت خراب دیواری که دهانه ای تمام قد در طرف شرق را بسته بود، این دیوار مرحله-به-مرحله تخریب شد و در قسمت پایانتز آن ساختمان عمده خشتی میان تهی، احتمالاً برای محدود ساختن وزن اش نمایان شد. دیوار باز سازی شده دارای بنایی خشتی محکم، با دهانه ای واحد در مرکزش به همراه شبکه کاری از خشت پخته، مشابه آن چه در دهانه های بیرونی دیگر نصب شده اند، میباشد.



برداشتن پلاستر جدید آسیب دیده از بخش های پایانتز دیوار های درونی، خشت کاری نما دار اصلی دوره تیموری را که در شرایطی فوق العاده خوب قرار داشت، آشکار ساخت. غیر از پرکاری درزهای عمودی در پیوند هایی در کنج های ایوان، این بنا مرمت بسیار کم نیاز داشت.



برداشتن خاک و گل از بامهای دو تاق نمای گنبدی که در جوار ایوان شرقی قرار دارند، وسعت مرمت کاری را که بالای گنبد های دومی و دیوار های بیرونی انجام یافته بود، آشکار کرد. گنبد تاق نمای جنوب-شرقی، که به شدت سوی شکل کرده بود.

این کشف این امکان را تقویت می کند که نیم-گنبد های چند رُخه ایوان شرقی (که حالا پلاستر و رنگ شده اند) نیز در اصل با کاشی و به وسیله تکنیک معروف کاربردی تزیین شده بود.



در روی درونی دهانه بالایی، بخشی از جالی روشنندان شبکه ای اصلی وجود دارد که متشکل از نوار های کوچک کاشی های جلا دار فیروزه ای، آبی، و سیاه که به گونه کمان هایی میان دهانه های هشت ضلعی ساخته شده اند، می باشد. این بخش پاک کاری و ترمیم شد، و بخش های گم شده آن با شبکه ای از عناصر خشت پخته جا به جا شد، چنان که در دهانه های دیگری از این نوع استفاده شده است.

سپس این و بخش های دیگر پلاستر مقرنس در تاقچه های اطراف فضای مرکزی و در خانقاه، ترمیم و با استفاده از مواد رنگی سنتی دارای رنگ سرخ (گل اُخرا) دوباره رنگ شدند.



و لبه های آن به واسطه کمان های خشتی (معروف به پیوند قندهاری) استناد داده شده بود، نیاز به تخریب و دوباره سازی داشت. این کمانها همچنان برای پلاستر مقرنس در تاقنماهای همجوار، همراه با خالیگاه میان لایه های ساختاری و تزئینی، استناد فراهم کرده و از اینرو نگهداشته شدند. برای جبران ضعف های ساختاری آنها، کمانهای خشتی کمکی درون کمانهای موجود جا سازی شدند تا گنبد خشتی جدید را در تمام جوانب تقویت کنند. برای ثبات هر چه بیشتر مقرنس، لایه نازک آمیخته از گل و گچ بالای سطح بالایی آن ریخته شد.



کارهای داخلی:

سر تا سر کف های درونی با خشت پخته فرش شد تا ساحه های پایین 'کاشی کاری در برابر صدمه ها آسیب پذیر نباشد. لوله ها برای سیم کشی برق در زیر کف (فرش) کارگذاری شدند تا نصب وسایل روشنایی بخش را میسر بسازند. در جریان آمادگی برای خشت فرش کف ساختمان، معلوم شد که شماری از عناصر مرمرین در اطراف فرش مقبره عبدالله ابن معاویه دارای سوراخ ها یا کندنکاری ها بودند. این خالیگاه ها ممکن به مقصد جا به جایی پایه ها به عنوان بخشی از نرده ای به کار می رفته اند. در مقبره، شماری از پایه های متروک یک جا با قسمت های (عمدتاً آسیب دیده) صفحات شبکه دار مرمری، شبیه کتاره های زیارت خواجه عبدالله انصاری در گذرگاه، یافت شدند. یکی از آن صفحات شبکه دار از رنگ روغنی پاک و در گوشه شمال-شرقی آرامگاه به جای کتاره مدرن شیشه ئی که از نگاه دید با آنجا همخوانی نداشت گذاشته شد.



مرحله ابتدایی کارهای درونی در مقبره شامل برداشتن چندین لایه از مصالحه سمیته جدید از کف (فرش) آن شد، که در زیر آن طبقه نامنظمی از خشت ها مستقیماً به روی زمین چیده شده بودند. وسط این لایه ۳۶ سنگ قبر وجود داشت که برخی از آنها (با راس های شان به سمت شمال) نشان از قبرهای واقعی میدادند، حال آن که برخی دیگر از سر اتفاق آن جا قرار گرفته بودند. تمام آنها در محل اصلی شان ثبت و مستند شدند، و آن سنگ قبرهایی که با دفن ها رابطه ای نداشتند، با موافقت متولی مقبره، در مکان های دیگری در ساختمان منتقل شدند. پس از برداشتن خشت پارچه ها، مواد آهک با مخلوط خاک موجود (شفته) با هم خلط شد تا پس از خشک شدن و جوش خوردن، لایه ای مقاوم در برابر نم را بسازد - ماده ای مهم برای ساختمانی که در بعضی جا های آن نشانه های نم کشیدگی دیده میشود.



تزئینات داخلی

کاشی کاری:

با آن که قسمت زیاد تزئین داخلی مقبره ویران شده است، پیزاره اصلی متشکل از کاشی کاری سفالین موزاییک در دوردور فضای مرکزی هنوز باقی مانده است. با مساحتی در حدود ۱۳۰ متر مربع، این قسمت نمایانگر گسترده ترین ساحه تزئین عصر تیموری در هرات امروز است.

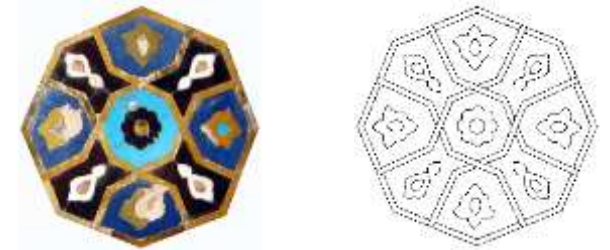


پس از مشوره با نمایندگان مردم محل و کارمندان دیپارتمنت آبدات تاریخی، موافقت بر این شد تا پوشش شیشه ای و فلزی بالای آرامگاه عبدالله بن معاویه برداشته شود. زیرا از نگاه قوانین آبدات در مغازیت قرار داشت. این کار امکان برداشتن مرمر و سمنتی را که در این اواخر در فرش کار شده بود میسر کرد که در اثر آن سنگ نوشته مرمرین ظریف در اطراف آرامگاه نمایان شد. از این سنگ نوشته در روایت بازدید بیت از آرامگاه در ۱۸۸۵، زمانی که در کمیسیون سرحدات افغانی کار میکرد، یاد شده است. بر اساس شواهد از عکس های قدیمی تر در داخل مقبره و آرامگاه های مشابه، محفظه ای چوبی مناسب تری نصب شد تا بتواند معلومات برای بازدید کنندگان ارائه کند.

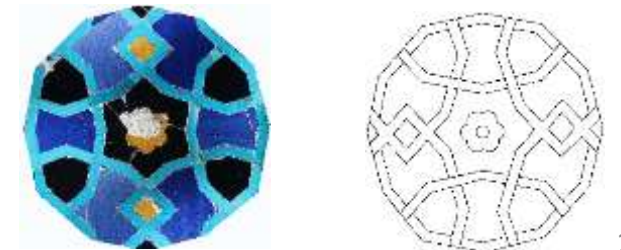


این کاشی کاری داخلی سه طرح متمایز دارد:

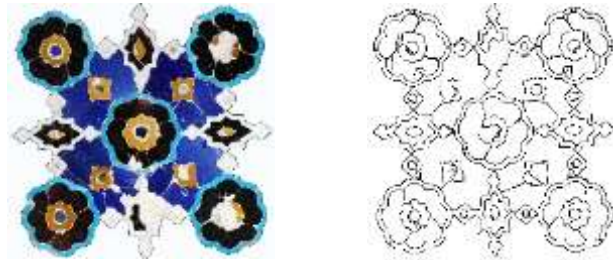
۱- در گوشه های مورب فضای گنبدی مرکزی صفحات کاشی وجود دارند که ستون های مرمرین در کنار شان قرار گرفته اند. طرح اینجا شامل هشت ضلعی های گل مانند (موتیف) گل دار مرکزی و الحاق ها شعاعی متناوب در زمین سیاه و آبی تیره میشود که بوسیله ستاره های ۱۶ ضلعی یا گل مانند (موتیف) گلدار طلائی متناوب و نقش شعاع گل برگ مانند از هم جدا شده اند.



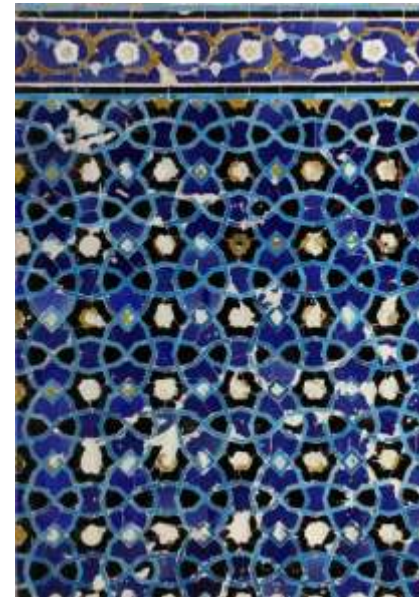
۲- در دیواره های تاق های روی چهار محور عمده مقبره، نقشی از بیمانند (موتیف) های هشت ضلعی در-هم-تنیده وجود دارد که از نوار های فیروزه ای به دور ستاره های سیاه ۱۲ ضلعی با نقش مرکزی گل دار طلائی ساخته شده که بر روی زمینه ای آبی تیره با عناصر شش ضلعی سیاه قرار گرفته اند.



۳- در تاق های مایل در دورادور فضای گنبدی مرکزی و تاق های دومی نقشی شبکه از گل های سیاه و طلائی وجود دارد. این نقش ها با نوار های فیروزه یی احاطه شده اند که به وسیله تزئین های کنده کاری چلیپایی سپید در زمین آبی تیره از هم جدا شده اند.



کناره های گل داری که این صفحات را در خود گنجانده اند، طرحی نرم تر، با تبارز طلائی در قاب فیروزه ای، و نوار های سیاه و سپید دارند. با شواهدی از مرمت کاری ها و اقدامات محافظتی که در گذر زمان انجام یافته اند،



برداشتن پلاستر کاری جدید در برخ ساحات، کاشی کاری اصلی تحت آنها را نمایان ساخت، که سرگذشت مرمت کاری شان متفاوت بود. ساحات قابل ملاحظه ای از کاشی کاری سالم با پلاستر پوشیده شده بودند، در حالی که در جا های دیگر این کار واضحاً برای تثبیت بخش های پارچه شده انجام یافته است. در سه جای، 'قاب' (طرح) های مستطیلی کاشی کاری پیرامون دهانه های دومی در زیر پلاستر جدید یافته شدند. هر سه دانه از چنین قاب ها در تاق نمای جنوب شرقی نمایان شدند، که در مرکز شان تاقچه ای سطحی با جوهره ای از دهانه های کمانی در دوطرف آن وجود داشت. این دهانه ها به فضاهایی می انجامیدند، که علی رغم بسته شدن متاخر شان، که واضحاً جزو ساختار اصلی بودند.

در تاقنمای شمال شرقی، فروریختگی قسمی دیوار های بیرونی در مرحله ای سه گانه مشابهی از قاب ها را ویران کرده بود، که تنها نشانه های کوچکی از آنها در قسمت پائینی یافت شدند. نشانه های قاب های مشابهی در تاقچه جنوب غربی نیز یافت شدند.



حالت فزیکتی صفحات کاشی به گونه قابل توجهی متفاوت است. حاشیه ای از پلاستر گچی در کناره پائینی و اطراف بیشتر صفحات کاشی کاری در مرحله ای افزوده شده تا احتمالاً آنها را از آسیب دیدن حفاظت کند. در جا های دیگر، در تلاشی برای همخوانی با طرح و نقش کاشی های اصلی، ساحات آسیب دیده کاشی کاری به گونه همسطح پلاستر و رنگ شده بودند. از جمع ۸۸ صفحه روی پیزاره اطراف فضای مرکزی مقبره، ۴۹ دانه آنها تنها پاک کاری و مرمت کاری مختصر نیاز داشتند، ۱۷ دانه آنها نیاز به مرمت کاری قابل توجه یا تثبیت کننده داشتند، حال آن که کاشی کاری روی ۲۲ صفحه کاملاً از میان رفته بود.





سطح تمام صفحات کاشی درونی به دلیل تجمع گرد و دود طی سال ها، پاک کاری شدند. در پی رویکرد آزمون و خطا، استفاده دستی اسفنج های کمی مرطوب و برس های نرم دندان در زدودن این مواد به گونه ای که از آسیب رساندن به جلا یا پیوند ها جلوگیری کند، موثر ثابت شدند. (در بالا قبل و بعد از کار)

چندین صفحه از نم داخلی دیوار استنادی متاثر شده و سبب تورم و پارچه شدن کاشی کاری به دلیل انبساط و تضعیف بستر گچی شده بودند. کاشی های این ساح از جایش برداشته شدند، و در جایی که امکان نگهداری پارچه های کاشی این ساحه وجود داشت نگهداری گردیده و بعد از ترمیم دوباره دیوار در محل اصلی آن نصب گردید.

و در جاهای دیگر، گچ در پشت صفحه (در دهانه هایی که در جای کاشی های غایب مانده بودند) تزریق شد تا کاشی های سست شده را به ساختمان استنادی بچسباند. تلاش برای 'بازسازی' ساحات کاشی کاری از دست رفته، با استفاده از اجزای امروزی مناسب پنداشته نشد - به هیچ وجه، به دلیل این که جلاهای عصری با اصلی به درستی همخوانی نداشتند. به این دلیل، بخشهایی از پلاستر رنگی با درک این که بخشی از تاریخ مقبره را بیان میکردند، حفظ شدند. ساحاتی از پلاستر جدید که رو به خرابی نهاده بودند، به گونه همسطح مرمت شدند و بدون رنگ گذاشته شدند.



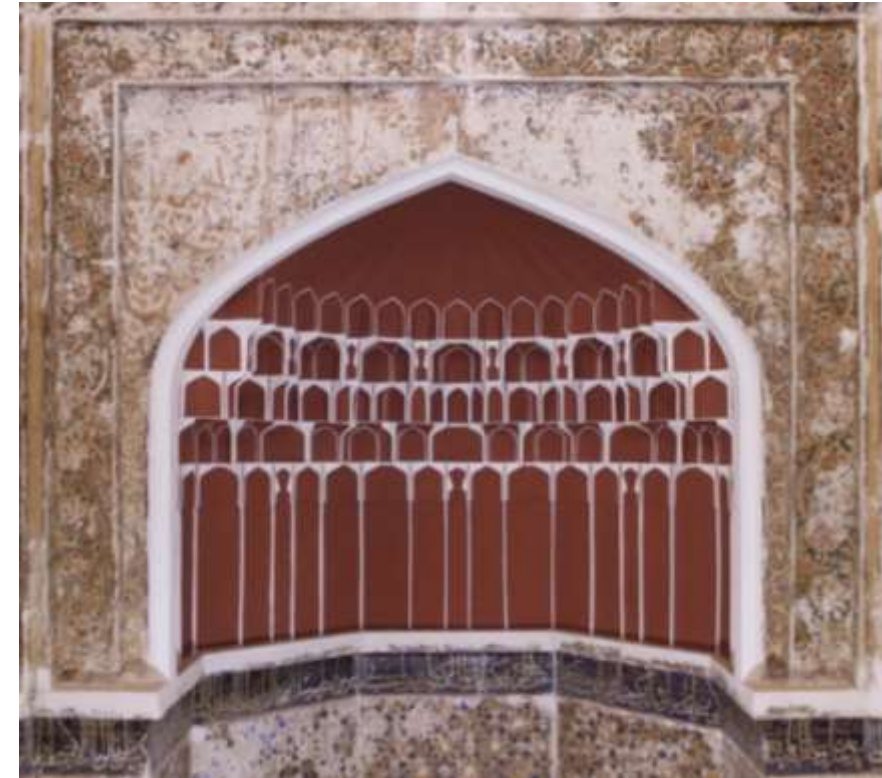
پلاستر:

هر کدام از هشت تاق نماى دومى پیرامون فضای مرکزی مقبره، مقرنس‌هاى (سطح منحنى مثلثى میان کمان‌ها و زیر گنبد) با پلاستر تزئین شده را حفظ کرده اند. این‌ها دارای دو شکل اند:

۱. تاق نماهاى مایل (قطرى) پنج ضلعى و با مقرنس ساخته شده از تاقچه‌هاى متناوب کوچک و بزرگ بوده و به وسیله جوړه‌هاى از برجستگی‌هاى تزئینى از هم جدا شده اند. بالای آنها ردیفى از تاقچه‌هاى کوچکى وجود دارند که کمانهاى شعاعى منتهى به نوک گنبد را استناد میبخشند.

۲. دهانه‌هاى مرکزی در تاق نماهاى روى محور اصلی که در کناره‌هاى آن جوړه‌هاى از مقرنس کوچکتر قرار گرفته است. این مقرنس‌ها از دو تاقچه ساخته شده اند که با برجستگی‌هاى تزئینى بالای نگاره اصلی ستاره مرکزی در گوشه‌هاى، از هم جدا شده اند. بالای آن، ردیفى از تاقچه‌هاى کوچک قرار دارد و بخش کوچکی از کمانهاى شعاعى را که در طرح کاربندى چند رخه در اطراف قسمت شش ضلعى نوک جا دارند، استناد بخشیده است.

بخش‌هاى آسیب دیده مقرنس‌ها مرمت شدند و سپس تاق نماها با گل سرخ سنتى (گل اُخرا) برجسته‌سازى‌هاى سفید که با طرح اصلی همخوانى داشت دوباره رنگ شدند.



تزئینات رنگی:

در قسمت پایینتر، بخش های ساقط شده نوار خطاطی قرآنی، که به نظر میرسد در اوایل سده بیستم افزوده شده باشد، به وسیله یکی از معروفترین خطاطان هرات و شاگردانش اعاده شد.



در زیر این، نواری از تزئین رنگه جدید که تقلیدی خام از طرح های کاشی استند وجود دارد که در وضع آشفته ای قرار داشتند. برداشتن این نوار به منظور نمایان ساختن پلاستر گل سرخ اصلی که در تحت آن باقی مانده است، مورد ملاحظه قرار گرفت اما با توجه به این که تزئین جدید بخشی از تاریخ مقبره را می سازد، حفظ شد.

در داخل فضای مرکزی مقبره بشمول سقف گنبد تزئین رنگه امروزه در روی پلستر گچی بکار رفته است. نشانه هایی از پلاستر ساده گل سرخ (گل آخرا چنان که در مقرنس ها یافته شد) در زیر تزئین رنگه پائینی می‌رسانند که این یک دگرگونی جدید بوده و سطوح دیواری در این سوبه ممکن است در اصل ساده بوده باشد؛ هرچند، نوار واحد افقی از خطاطی در زیر پاکار گنبد عمده، شاید بخشی از طرح تزئینی اصلی بوده است. این نوار، با نشانه هایی از رنگ شدن مکرر که حالا به سختی قابل خواندن است، با جزییات ثبت شد، اما با توجه به حالت شکننده آن، حفاظت کاری انجام نشد. همین گونه با تزئین رنگی در فواصل میان قوس ها و قاب های اطراف تاق نماهای دومی قوسی، رفتار شد. اینجا تعیین این که در زیر سطح چه چیزی قرار دارد، بدون آسیب رساندن دایمی ناممکن بود.



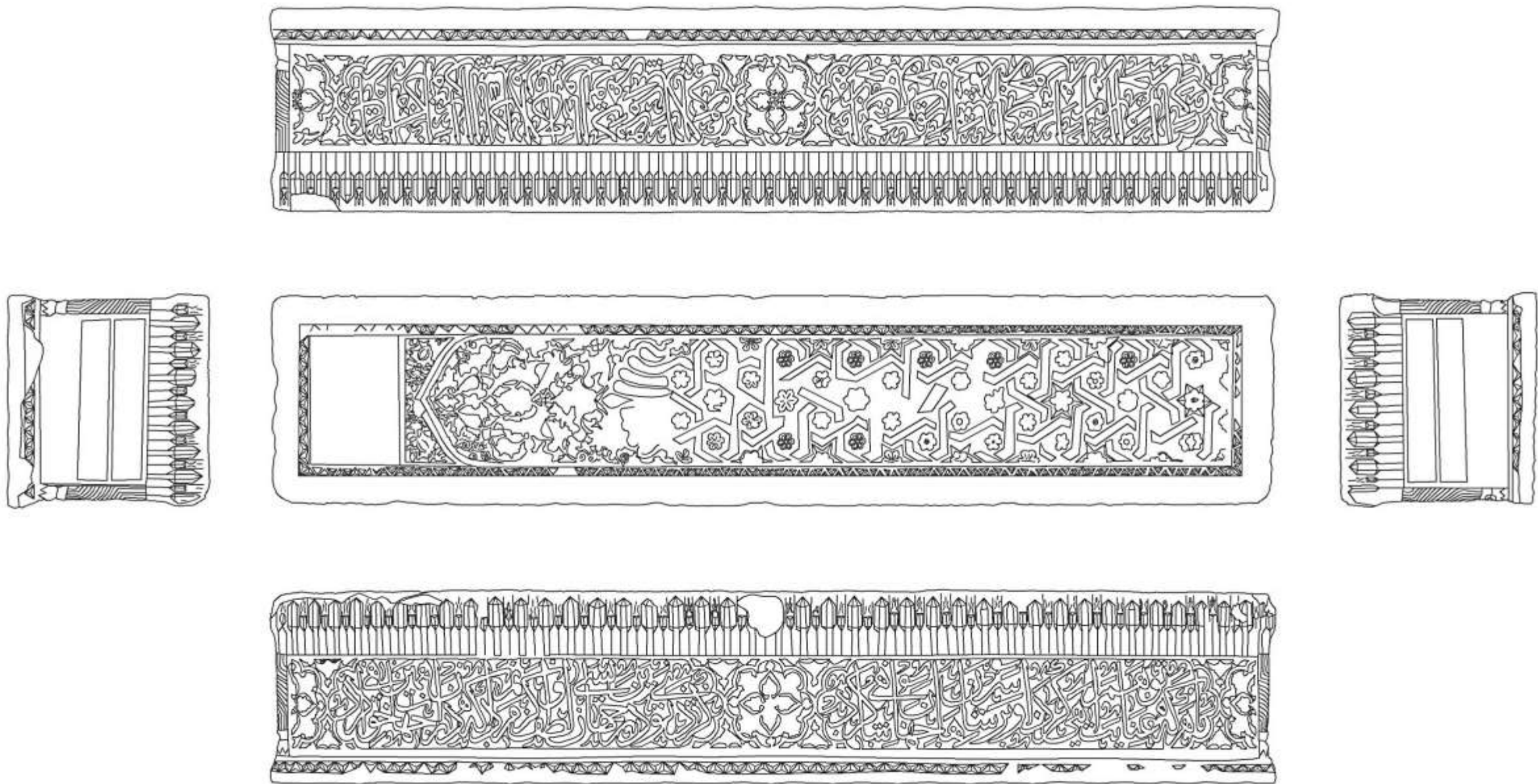
کار های بیرونی:

پس از رایزنی و مشوره با نمایندگان مردم محل و مقامات رسمی، احاطه جدید سمت غربی مقبره بزرگتر ساخته شد تا دسترسی شمار فزاینده بازدید کنندگان را آسان بسازد و نیز حفاظت شماری از آرامگاه های تاریخی را که شامل خشت فرش صحن در دو سوی در ورودی شده اند، میسر بکند. برداشتن خاک جمع شده پیرامون دیوار های مقبره، شماری از سنگ قبر های تاریخی مدفون را آشکار ساخت که در صحن خشت کاری محافظتی دو باره در جای شان گذارده شدند و میان آن خشت فرش صحن، سنگ فرشی به منظور آسان سازی دسترسی با آن ها گذاشته شد. شماری از دیوار های حایل پست در این ساحه ساخته و درختان جدید نشانده شد.

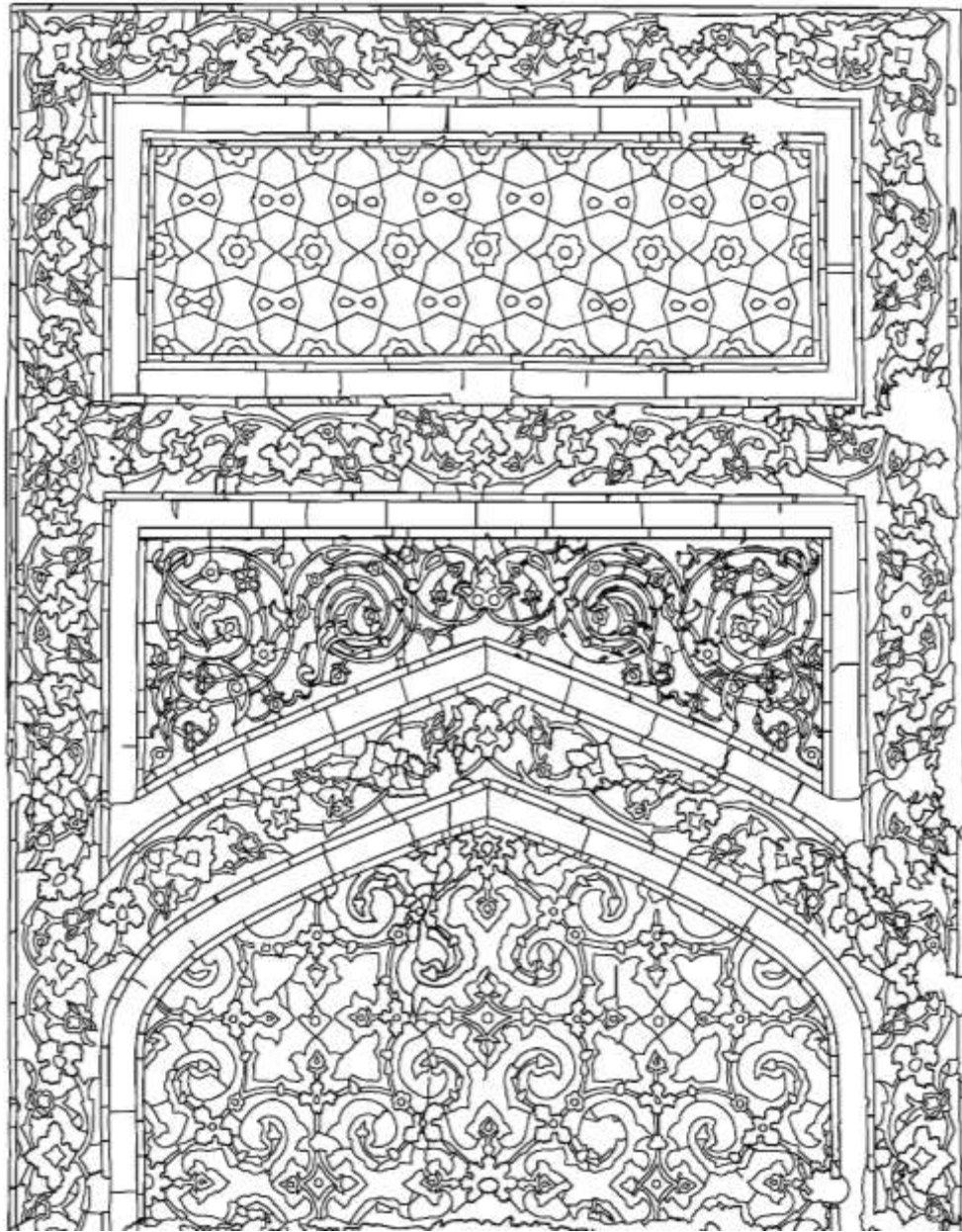


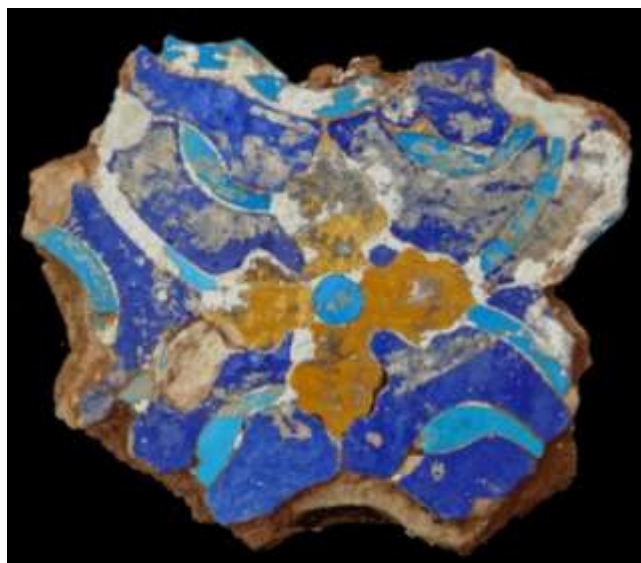
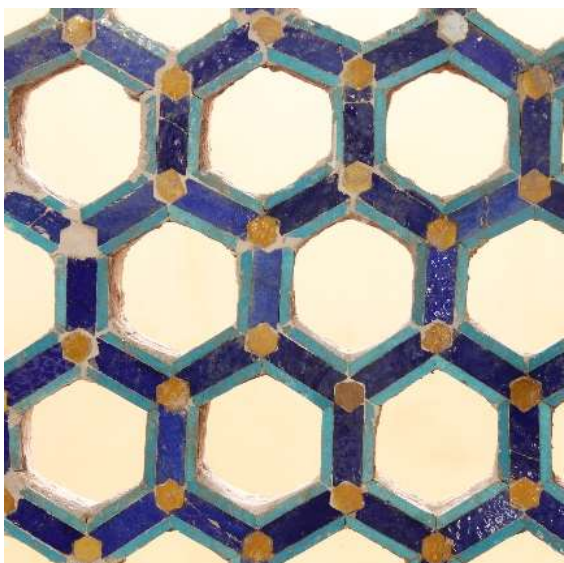
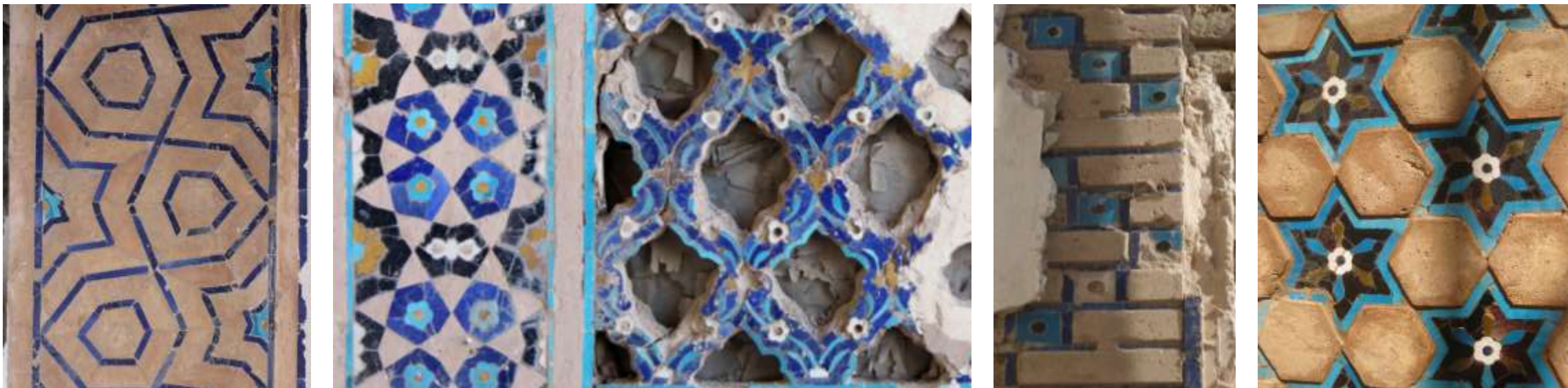
به دلیل روند مواظبت و نگهداشت پوشش بام و هم آسیب ناشی از جنگ بر پیکر خشتکاری، تزئین رنگه روی سطح درونی گنبد مرکزی نیز در شرایط آشفته ای قرار داشت. بخش های قابل ملاحظه ای از پلاستر آن جدا شده بودند، در حالی که قسمت هایی از تزئین رنگه باقی مانده با وجود ورنس مالی برای تثبیت آن در گذشته، قسمت ازین ورنس مالی پوستک گردیده و ریخته بودند. به دنبال مرمت کاری خشتکاری آسیب دیده گنبد، ورقه ای نازک پلاستر بر شکننده ترین ساحات آن، جاهایی که تزئین شان از میان رفته بود دوباره پلستر گردیده متعاقباً پلاستر جدید رنگ شد تا از تفاوت آن با ساحات همجوار آن کاسته شود. آسیب کمتری به تزئین ناحیه بمرحله تغییر در زیر گنبد رسیده است. اینجا خطوط پشت بند مقرنس ها دوباره رنگ شدند تا به رنگ های اصلی همخوانی بیابند. جدا از ثبت مفصل و برداشتن گرد و غبار جمع شده بر روی سطح، کار بیشتری روی تزئین های رنگی، که حالت شکننده شان ایجاب توجهی تخصصی را میکند، انجام نشد.





نمونه ای از اسناد سازی سنگ قبر مرمر که در جریان کار از ریز زمین یافت شده و در داخل زیارت شهزاده عبدالله نصب گردید



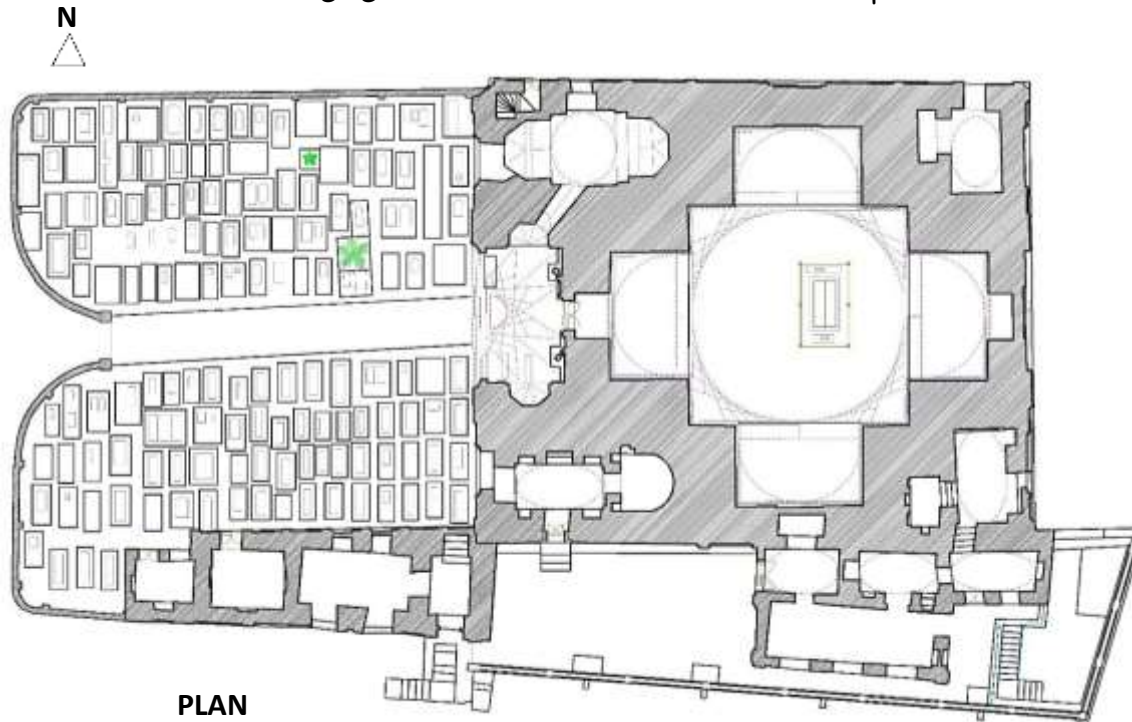


چند نمونه از بخش کاشی های تزئینی که در ساحه یافت و در جریان کار پروژه شهزاده عبدالله مرمت و یا تحکیم کاری گردید.



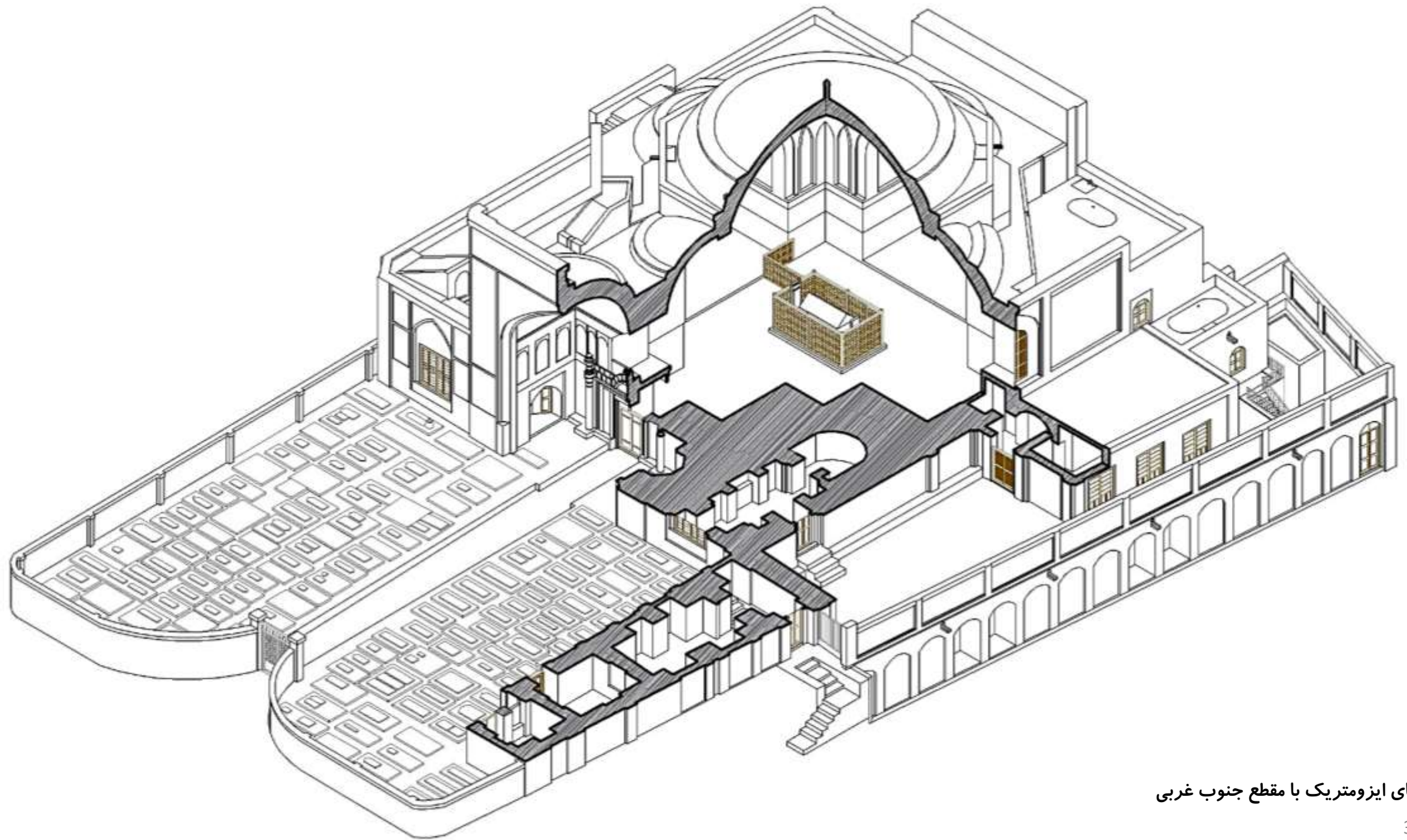


این ساختمان فورم (شکل) ساده تری نسبت به مقبره شاهزاده عبدالله در جوارش دارد و متشکل از یک فضای مرکزی گنبدی (با وسعت ۱۰.۵ متر) می شود که دورادور آن تاق نماهای عمیق با سقف کمانی روی چهار محور عمده وجود دارند و طرحی چلیپایی ریخته اند. ساختار مقبره عمدتاً از بنای خشت پخته که در جاهایی از آن سنگ های نامنظم کار رفته است، تشکیل یافته است. شکل هندسی سقف های کمان داخلی در مفصل بندی رویه سطحی در ارتفاع های شمالی، جنوبی، و شرقی بازتاب یافته است، که هر کدام آنها دارای دهانه ای مرکزی در قسمت بالایی می باشند.



تاریخچه:
مقبره شاهزاده عبدالقاسم نامش را از پسر امام ششم شیعه می گیرد، هر چند باور بر این است که او جای دیگری دفن شده است. حدس و گمان هایی وجود دارند مبنی بر این که مقبره حاضر شاید بخشی از ساختار سنگی بسیار قدیمی تر را، که ممکن است قدامت آن به عصر ساسانی ها برسد، شامل می شود. آن چه معلوم است این است که پس از حمله های مغولان در سده دوازدهم میلادی ساختمان ویران شده در محل بر جای ماند، ولی در سده هژدهم میلادی بود که این ساختمان بازسازی شد و در سده بیستم میلادی بازطراحی شد؛ قسمت اعظم تزئین بر جای مانده به این تاریخ بر میگردد.





نمای ایزومتریک با مقطع جنوب غربی

ایوان غربی:

بررسی های ابتدایی مقبره آشکار ساخت که در سال اخیر، در خالی گاه هایی در قاعده دیوار های سمت غربی، ظاهراً در تلاش به منظور توجه و رسیدگی به نشست دیوار، کانکریت ریخته شده بود. با مشکلات زیاد، این کانکریت برداشته شد و خالیگاه ها با خشتکاری همراه با مصالحه آهکی پر شدند، تکنیکی که برای ترمیم ساحات نم کشیده نیز به کار برده شد.



ارتفاع عمده مقبره به سمت غرب و به شکل ایوان بلند کمانی بالای دروازه ورودی اصلی قرار دارد. به دو طرف آن فضا هایی وجود دارند که در حال حاضر به وسیله متولیان و برای مطالعات دینی استفاده میشود.

بخش های پایانی دیوار های بیرونی در ایوان، تزئین گچی شان را حفظ کرده اند که قدامت آن به اوایل سده بیستم میلادی، زمانی که کاشی های تزئینی نیز به ارتفاع اضافه شد، میرسد. طرح تزئینی متشکل از صفحات خطاطی دورادور قوس مرکزی با نقش و نگار گلدار در فواصل میان قوس ها میباشد؛ اتاق های یک طبقه ای در هر دو طرف دارای کاشی کاری گل دار مشابه بالای قوسها با صفحات مستطیلی در هر دو طرف دهانه ای هستند. هر چند، برخلاف سفال موزاییکی که در مقبره شاهزاده عبدالله به کار رفته است، جلای روی کاشی هایی که این جا به کار گرفته شده اند، در معرض تاثیرات آب و هوا سفید گشته است. وضعیت بخش هایی از تزئین گچی نیز نشانه هایی از رو به زوال گذاشتن را می نمایاند.





جالی چوبی شبکه دار بالای دروازه ورودی نیز ترمیم گردید.



پس از ثبت و مستند سازی، ساحات کاشی کاری آسیب دیده روی ارتفاع یاد شده تثبیت شدند، مهماتی که در رخ بیرونی گیر کرده بودند، برداشته شدند و کاشی های ساقط شده ای که قابل مرمت و استفاده مجدد بودند، دو باره در جای شان نصب گردید. با توجه به مشکل همخوانی با قاب های کاشی های باقی مانده، مناسب احساس نشد تا از کاشی های جدیدی در این ارتفاع کار گرفته شود و در عوض، بخش های از میان رفته با پلاستر آهکی پر شدند تا در تثبیت کار های تزئینی مجاور کمک کنند.



در جریان بررسی ها، آشکار شد که پلاسترکاری تزئینی پیرامون دروازه ورودی اصلی از ساختار عقبی آن جدا شده بود. این پلاستر، پیش از ترمیم بخش های آسیب دیده با پلاستر ساده، تثبیت شد تا تفاوت بین دومی با اصل تشخیص شده بتواند.



پس از برداشتن حجم قابل ملاحظه ای از خاک و گل - در جاهایی با عمق نزدیک به دو متر- بنای خشتکاری در ایوان غربی در شرایط عموماً خوبی قرار داشت که ایجاب تنها آمیخته آهکی را پیش از آن که با پارچه خشت ها و مصالحه آهکی پرکاری مجدد شود، میکرد. هر چند، در بخش های دیگر این ناحیه، قسمت های دیگر این ساختمان از اثر آسیب ها چندین درز داشت پیش از پرکاری مجدد با خشت همراه با مصالحه آهک کانکریتی جدید پیوند یا بخیه زده شدند.

پرچال سمنتی جدید از سطح بالایی دیواره های نیم قد محافظتی در بالای دیوار غربی برداشته شده و با خشت پخته ای که با کنار های شان گذاشته شده بودند، تعویض شد. هنگامی که لایه گلی برداشته شد، در کنار جنوبی بام ساختاری متشکل از دیوارهای موازی با ردیفی از تاقچه ها در داخل نمایان شد. به نظر میرسید که از این ساختار همچون کفتر خانه ای استفاده میشده است، اما با وجود برج مجزا و بزرگ برای کفترها در شمال مقبره، نیازی برای بازگرداندن این ساختمان برای استفاده به مقصد اصلی آن احساس نشد. در عوض، ساختار روی بام ثبت و کمان خشتی بالای آن ساخته شد تا از آن در زیر سطح جدید خشت های پخته حفاظت کند.



در جریان کار ترمیم و حفظ هر دو ساختمان تعداد از پارچه های کاشی، سفال و مرمر بدست آمده و در ارتباط به پارچه سفالی با خط کوفی که شباهت زیادی با تزئینات عصرغوری ها با مسجد جامع هرات دارد یافت گردیده و تمام اینها بعد از اسناد سازی به آمریت آبدات تاریخی ولایت هرات تسلیم داده شد.



تحکیم کاری قسمت جنوب شرقی:

برداشتن خاک و گل از بخش شرقی بام مقبره نشانه هایی از ضعف ساختاری را آشکار ساخت. زمانی در گذشته، به عنوان بخشی از تلاش ها برای تقویت این بخش ساختمان، تیرهای چوبی افقی در بنایی خشتی جا به جا شده بودند، و شماری از آنها هنوز در ارتفاع شرقی قابل دیدند. شواهدی از مرمت کاری های قبلی روی دو گنبد دومی در گوشه شمال شرقی به دست آمد، در حالیکه درز جانبی طولانی ای در سراسر ساختمان الی گنبد بشکل عمده وجود داشت. بررسی های الحاقیه رهایی که در گوشه شمال شرقی مقبره ساخته شده است، نشست جدی را آشکار ساخت که ثبات ساختار همجواری را نیز متاثر میکند. پس از تجزیه و تحلیل دقیق گزینه ها در نظر گرفته شد، الحاقیه تخریب شد و پشت بند سنگی از قسمت سطح زمین ساخته شد و همزمان با آن الحاقیه دوباره با شکل بندی جدید هم بخاطر تقویت تهداب و هم بخاطر تقویت ساختمان اعمار گردید. متعاقباً نمای سمت شرقی مقبره بشکل مسلسل ترمیم و بهسازی شد.



گنبد مرکزی:

برداشتن خاک و گل از گنبد مرکزی اجرای مرمت کاری های مختصری را روی بنای ساختاری میسر ساخت. بخش هایی از خشتکاری در مصالحه گلی پیرامون قاعده گنبد، که ظاهراً به عنوان تدبیری برای تثبیت ساختار انجام یافته بود، آشکارا شد. پائینتر از این، سنگ های تصادفی پیدا شدند که در بین خشتکاری روی قطر های گنبد قرار گرفته بودند. با توجه به حدس و گمان هایی که ممکن است مقبره به دوره ساختاری قدیمی تر ساخته شده باشد - پیشنهاد هایی وجود داشته مبنی بر این که آن ساختار قدیمی تر آشکار شده ای از عصر ساسانی ها بوده - این موضوع با جزئیاتی بررسی شد اما شواهدی از بنای سنگی مسلسل که توان بر داشتن کتله گنبدی با این ابعاد را داشته باشد، به دست نیامد.



ترمیم نمای جنوبی که با نمای غربی از نگاه ساختاری بهم پیوند دارند جائیکه معلوم گردید لایه خشت کاری جدار بیرونی با خشتکاری عقب آن جدا بوده مرمت کاری شد. سپس گنبد پائینی بالای حجره طبقه اول مرمت کاری و بام آن مانند جا های دیگر خشت فرش شد. برای بهتر ساختن تحکیم ساختاری طرف جنوبی مقبره، نه دهانه خالی تاقدار در ساحه پایینی با خشت پرکاری گردید. این تاقهای پی هم، که در اوایل سده ۲۰ میلادی ساخته شده اند، تراسی را استناد بخشیده اند، که همچنان دو باره خشت فرش شده و دیواره نیم قد محافظتی آن باز سازی شد.



پس از پرکاری مجدد از خشتکاری بخاطر تقویت اطراف پا کار گنبد و هشت ضلعی گنبد اصلی با مصالحه ریگ و آهک و با کلافه از چوب بنوش بشکل افقی که در اطراف گنبد صورت گرفت به اصل ساختمان استناد بیشتری را فراهم ساخت. پایینتر از این، یک سلسله کف سازی های (پلاتفورمهای) خشتی برای وفق دادن شکل هندسی گنبد با ساختار استنادی ساخته شد. این کف سازیها مانند گنبد ها با سطحی مقاوم در برابر آب و هوا که متشکل از خشت پخته بر روی مصالحه ریگ و چونه بود، فرش گردید.



بررسی های چهار اتاق کوچک در امتداد طرف جنوبی محوطه پیوست مقبره، نشان داد که این اتاق ها وضع آشفته ای داشتند. دو تا از گنبد هایی که بر فراز این ساحه قرار داشتند، همراه با بخش هایی از دیوار های استنادی باز سازی شدند.

کارهای داخلی:

پس از رایزنی و مشاوره با نمایندگان مردم محل و کارمندان دیپارتمنت آبادات تاریخی، موافقت بر این شد که حفاظ (زره) عصری بالای قبر مرکزی برداشته شود. متعاقباً حفاظ (پنجره) شبکه دار چوبی، هم مانند آن چه در عکس های قدیمی از درون مقبره دیده میشد، نصب گردید.



مصاله سمنتی جدید همراه با لایه ای از خشت پاره ها از فرش (کف) های داخلی صحن زیارت برداشته شد. سپس لایه ای سنتی آهکی ضد نم زدگی (شفته) پیش از لایه خشت فرشی در سرتاسر ساختمان تهیه و هموار شد. ساحات آسیب دیده خشتکاری در قاعده دیوار های داخلی، جاهائیکه نشانه های بالا زدن نم دیده میشدند، مرمت شد. برداشتن پلاستر تاق نماهای شمالی و جنوبی دهانه های بزرگی را در طبقه زمینی آشکار کرد که با ساختمان میان تهی بسته شده بودند. این ها تحکیم و ساختمان جدیدی ساخته شدند. از این جا این نکته در ذهن خطور می کند که این مقبره، مانند مقبره شاهزاده عبدالله، زمانی در دو طرف شمال و جنوب باز بوده است.



کار های بیرونی:

یک سلسله دیوار های تقویتی سنگی بامتداد پشته ای خاکی برای تقویت در سمت شرقی مقبره ساخته شد. قبر هایی که در این ساحه پیدا شدند، بخاطر جلوگیری از فرسایش زمین شامل سنگ فرش جدید شدند که این خود در ساحه سرایشی مانع فرسایش همان ساحه میگردد. روش مشابهی در سمت شمالی به اجرا در آمد که این خاک مانع دید و سبب تهدید نمای شمالی میگردد. محوطه سمت غربی زیارت سنگ فرش و قبر ها با سطوح برجسته خشت کاری بهسازی و دوباره ساختمان گردید.



منظر سازی و تزئین کاری ساحه:

در شهری با شمار اندکی از فضاهای باز عمومی، قبرستان کهنه‌ژ به عنوان یکی از سرمایه ای مهم برای اجتماع خدمت کرده میتواند. به این دلیل، شماری از اقدامات زینت بخش و نما دهنده در سراسر صحن قبرستان به اجرا در آمدند. این اقدامات شامل نهال شانی، پخته کاری راهرو های میان قبر ها و ساختن دیوار های محافظتی سنگی میشوند. سیستم آبیاری، با شبکه ای از لوله (پایپ) های زیر زمینی و دو ذخیره آبی بلند که آب شان به وسیله چاه عمیقی در طرف شرقی محل حفر گردیده تدارک و تامین میشود، کارگذاری شدند.



